

هشدار امام!

(...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد)

... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا

می کنیم ... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعوا می کنند همه برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سپاسی. اجتماعی. فرهنگی

سال سی و دوم / شماره ۱۲

شماره مسلسل ۱۴۱۱

نیمه دوم شهریور ماه ۱۳۹۰

۲۰۰ تومان

کتابخانه حضرت

آیت الله مرعشی نجفی،

گنجینه ماندگار در

جهان اسلام



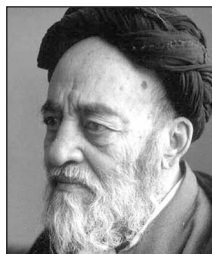
صفحه ۲

امام علی (ع)

منشأ پیدایش

سیر معنوی

گفتاری از علامه طباطبائی



صفحه ۸



تجلیل از استاد خسروشاهی

به خاطر مجاهدت ها و دفاع از

حریم مکتب اهل بیت (ع)

صفحه ۷

همایش تحولات جهان اسلام و ضرورت

آشنایی ملت ها با مکتب اهل بیت (ع)

صفحه ۶

عربستان و انقلاب های عربی

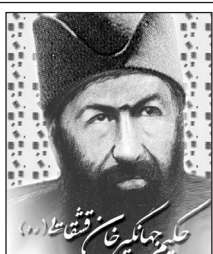
صفحه ۴

یادی از آیت الله حکیم

جهانگیر خان قشقایی:

مصلح اجتماعی

حوزه های علمیه



صفحه ۹

آیت الله موسوی بجنوردی:

نیازی به رویت

هلال ماه نیست

صفحه ۱۲



رئیس پژوهشگاه مطالعات تقریبی:

وهابیت پیامبر (ص)

را هدف قرار

داده است

صفحه ۱۲



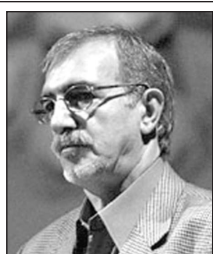
بزرگداشت

استاد سیدعلی

موسوی گرمارودی

در انجمن آثار و مفاخر

فرهنگی



صفحه ۱۱

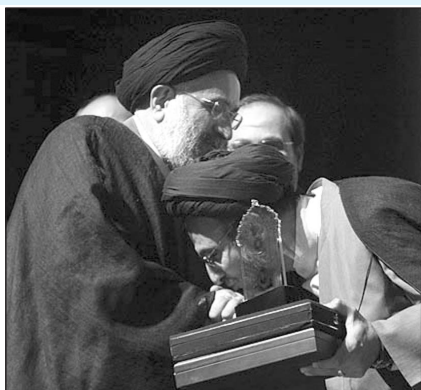
برگزاری چهارمین جشنواره کتاب دین / تجلیل از کتاب آیت الله محقق داماد

نظر فقیهان مغفول مانده است. وی افزود: شاید این مسأله از یک جهت و در نظر بدوی حق به جانب آنها باشد. چرا که وقتی کتب فقهی را باز می کنیم موضوعاتی چون تجارت، بیع و غیره که عقود معین هستند مورد توجه قرار گرفته اند و جایی برای قراردادهای، تعهدات، التزامات در فقه وجود ندارد و کتابی مستقل در این زمینه وجود ندارد.

این استاد دانشگاه در پایان تأکید کرد: لذا این موضوع باعث شد تا از ۱۰ سال پیش در مورد این موضوع تحقیق کنم که حاصل آن در سال ۸۹ به صورت کتاب منتشر شد. در واقع در این کتاب زحمات فقها را به زبان امروزی مطرح کرده ام.

در فلسفه، کلام، عرفان و اخلاق اسلامی رضا کورنگ بهشتی با ترجمه اثر سنت گرایی حائز رتبه برتر و محمد جواد شمس با اثر تنزیه و تشبیه در مکتب ودانته و مکتب ابن عربی شایسته تقدیر شناخته شد. در تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی محسن رنجبر با کتاب جریان شناسی تاریخ قرائنها و رویکردهای عاشورا از صفویه تا مشروطه عنوان رتبه برتر را از آن خود کرد و محمد حسین ساکت با اثر اعلام الوری باعلام المهدی شایسته تقدیر شناخته شد.

در بخش دین و علوم انسانی مهدی براتعلی پور با اثر بازخوانی آموزه های سیاسی اسلام شیعی و مسأله تحزب شایسته تقدیر شناخته شد. همچنین در بخش کودک و نوجوان غلامرضا حیدری با کتاب دائرة المعارف قرآن شایسته تقدیر شناخته شد.



رئیس سازمان تبلیغات اسلامی در هنگام اهدای جایزه به آیت الله محقق داماد، دست ایشان را به نشانه احترام و تقدیر بوسید

چهارمین جشنواره کتاب دین با شناخت نفرات برگزیده خود در محل حوزه هنری به کار خود پایان داد. به گزارش خبرنگار مهر، چهارمین جشنواره کتاب دین و پژوهشهای برتر چهارشنبه ۱۶ شهریور ماه به اهتمام معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان تبلیغات اسلامی در محل حوزه هنری برگزار شد.

این جشنواره در محورهای علم قرآن و حدیث؛ فقه و حقوق اسلامی؛ کلام، فلسفه، عرفان و اخلاق اسلامی؛ تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی؛ دین و علوم انسانی مرتبط؛ ادبیات داستانی و رمان؛ و کودک و نوجوان به بررسی آثار پرداخت.

در بخش علوم قرآن و حدیث مصطفی دلشاد تهرانی با اثر دلالت دولت حائز رتبه برتر شد و ترجمه روشنگر اثر کریم زمانی و دانشنامه امام حسین (ع) اثر محمد محمدی ری شهری شایسته تقدیر شناخته شدند.

در بخش فقه و حقوق اسلامی آیت الله سید مصطفی محقق داماد با کتاب نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی حائز رتبه برتر شد.

در این مراسم آیت الله دکتر سید مصطفی محقق داماد نفر برگزیده بخش فقه و حقوق اسلامی به سبب تألیف کتاب نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی نیز به معرفی اثر خود پرداخت و گفت: حقوق اسلامی در نوشته های حقوقی معاصر متهم است که به تعهدات توجه نداشته است و بحث تعهدات از

جدیدترین کتب مرکز اسناد انقلاب اسلامی

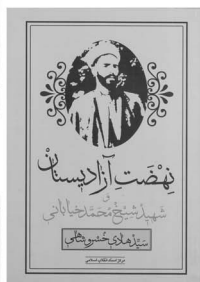
به کوشش استاد سید هادی خسروشاهی



اعلامیه های صادر شده با امضای حوزه علمیه قم



بحث نشریه مخفی طلاب حوزه علمیه قم ۱۳۴۲-۴۴



نهضت آزادیستان و شهید شیخ محمد خیابانی



انتقام نشریه مخفی طلاب حوزه علمیه قم ۱۳۴۲-۴۴



اعلامیه ها و بیانیه های فضلا و طلاب حوزه علمیه قم

تلفن مراکز فروش: تهران (۰۲۱-۲۲۲۱۱۹۴) قم (۰۲۵۱-۷۷۳۶۴۲۴) جهت خرید اینترنتی می توانید به سایت www.ketabeparsi.com مراجعه فرمائید.

کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی نجفی، گنجینه ماندگار در جهان اسلام



هفتم شهریور سالروز رحلت آیت الله العظمی مرعشی نجفی می باشد وی در سال ۱۳۱۵ ق. / ۱۲۷۶ ش. در نجف به دنیا آمد. و شهاب الدین نام گرفت پدرش، آیه الله سید شمس الدین محمود مرعشی (۱۲۷۹ ق. - ۱۳۳۸ ق.) از فقها و مدرسان علوم اسلامی نجف بود. آیه الله مرعشی نجفی دوران کودکی را در آغوش پر مهر خانواده سپری نمود و با تربیت اسلامی بزرگ شد. مادرش زنی پاکدامن و با ایمان بود که هیچگاه بدون وضو به او شیر نمی داد.

تحصیل

پس از یادگیری خواندن و نوشتن، در نوجوانی به کسوت روحانیت درآمد و به فراگیری علوم اسلامی پرداخت. ادبیات عرب، فقه، اصول، حدیث، درایه، رجال و تراجم و... را نزد استادان برجسته حوزه علمیه نجف فرا گرفت و سپس در درس خارج فقه و اصول آیه الله آقا ضیاء عراقی (متوفای ۱۳۷۳ ق.)، آیه الله شیخ احمد کاشف الغطاء (متوفای ۱۳۷۳ ق.) و شماری از مراجع تقلید و مدرسان برجسته حوزه علمیه نجف شرکت کرد.

آیت الله مرعشی چنان علاقه به یادگیری داشت که سر از پا نمی شناخت. سالهای دراز در درس دهها استاد شهیر حوزه علمیه نجف شرکت کرد و از خرمن دانش آنان بهره جست. مدتی نیز نزد علمای زیدیه و علمای اهل سنت به فراگیری علم حدیث پرداخت و از آنان اجازه نقل حدیث گرفت.

تلاش شبانه روزی وی سرانجام در ۲۷ سالگی به ثمر نشست و به درجه اجتهاد نایل شد. کوشش خستگی ناپذیر او برای تحصیل دانش ستودنی است. خودش در این باره می گوید:

هیچگاه در سنین جوانی به دنبال تمایلات نفسانی نرفتم، همیشه در پی تحصیل علم بودم، به صورتی که شبانه روز، بیش از چند ساعت نمی خوابیدم و هر کجا نشانی از استادی یا عالمی و یا جلسه درسی که مفید تشخیص می دادم، می یافتم، لحظه ای در رفتن به نزد آن استاد، عالم و جلسه درس درنگ نمی کردم.

آیت الله مرعشی در نجف، کربلا کاظمین، سامرا، تهران و قم نزد بیش از صد استاد زانوی ادب به زمین زد و از دانش و تقوای آنان استفاده کرد. وی از ابتدای تحصیل به پشتکار عالی، همت بلند، تقوا، نبوغ و دیگر فضایل اخلاقی شهره بود.

ایشان از بسیاری از مراجع تقلید شیعه اجازه اجتهاد گرفتند. برخی از آنها عبارتند از:

۱. آیت الله العظمی آقا ضیاء عراقی (متوفای ۱۳۶۱ ق.)

۲. آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی (متوفای ۱۳۶۵ ق.)

۳. آیت الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری یزدی (متوفای ۱۳۵۵ ق.)

آیت الله مرعشی پس از رحلت پدر در سال ۱۳۳۸ ق، برای ادامه تحصیل به کاظمین، سامرا و کربلا رفت و سالها در حوزه های علمیه آن دیار، از محضر استادانی برجسته استفاده نمود و سرانجام در سال ۱۳۴۲ ق، برای زیارت مرقد مطهر امام رضا(ع) به ایران آمد.

پس از زیارت مرقد امام رضا(ع) به تهران رفت و در حوزه علمیه تهران، نزد آیت الله شیخ عبدالنبی نوری (متوفای ۱۳۴۴ ق.)، آیت الله آقا حسین نجم آبادی (متوفای ۱۳۳۴ ق.)، آیت الله میرزا طاهر تنکابنی (متوفای ۱۳۶۰ ق.)، آیت الله میرزا مهدی آشتیانی (متوفای ۱۳۷۲ ق.) و... به فراگیری فقه، اصول، فلسفه و کلام پرداخت.

سال بعد، برای زیارت مرقد حضرت معصومه(ع)، به قم رفت. به دستور آیت الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری یزدی در این شهر ماندگار شد. ایشان مدتی در درس آیت الله حائری و شماری از استادان حوزه علمیه قم شرکت جست و از دانش آنان بهره برد.

بر مسند تدریس

آیت الله مرعشی به دستور آیت الله حائری به تدریس پرداخت. ایشان علوم ادبیات عرب، منطق، اصول و فقه را برای طلاب جوان تدریس می نمود. آیت الله مرعشی پس از رحلت آیت الله حائری (۱۳۵۵ ق.)، به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت.

در طول بیش از هفتاد سال تدریس ایشان در حوزه علمیه قم، دانشمندان بسیاری تربیت شدند که شماری از آنان از ایشان اجازه اجتهاد دریافت کردند اینک نام برخی از شاگردان وی را می آوریم، حضرات آیات:

شهید حسین غفاری، شهید حاج آقا مصطفی خمینی، شهید مرتضی مطهری، شهید دکتر محمد مفتاح، شهید دکتر سید محمد بهشتی، شهید محمد صدوقی، سید محمدعلی قاضی طباطبایی، سید محمود طالقانی، شیخ شهاب الدین اشراقی، شیخ مرتضی حائری، حاج میرزا جواد آقا تهرانی، شیخ حسن نوری همدانی، آقا موسی صدر، قدرت الله وجدانی فخر، سید مرتضی عسگری، مصطفی اعتمادی، محمد امامی کاشانی، میرزا جواد تبریزی، شیخ حسین نوری، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، شیخ علی پناه اشتهاردی، محمدتقی ستوده، شیخ محمدرضا مهدوی کنی.

در سایه کریمه اهل بیت

مرجع نستوه شیعه در طول سالیان دراز که مرجعیت تقلید شیعیان را برعهده داشت، خدمات شایانی به جهان اسلام نمود. نماز جماعت باشکوه ایشان در صحن حضرت معصومه(ع) راهمه زائران به یاد دارند. خوشرویی و اخلاق نیک ایشان را همگان به خاطر سپرده اند. ایشان بسیار شوخ طبع بودند. به مستضعفان عنایت ویژه ای داشت. به مشکلات آنان رسیدگی می کرد.

آیت الله العظمی مرعشی نجفی علاقه خاصی به اهل بیت و حضرت معصومه(ع) داشت. ایشان پیش از انقلاب، هر روز پیش از اذان صبح به حرم مشرف می شد. همراه مدتی پیش از باز شدن درهای حرم، پشت در می ماند و سپس داخل حرم می شد و پس از زیارت، نماز جماعت را اقامه می کرد.

بدون تردید، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی از مهم ترین و تاثیرگذارترین آثار ایشان می باشد. در دایره المعارف تشیع، کتابخانه مذکور چنین معرفی شده است:

مؤسس بنیانگذار این کتابخانه عظیم و بی نظیر، فقیه و مرجع تقلید شیعیان جهان، عالم اصولی، محدث رجالی، ادیب اربب، تبارشناس برجسته محقق و مورخ، آیت الله سید شهاب الدین

مرعشی نجفی (م ۱۳۶۹ ش) بوده که. سالها قبل از رحلت ایشان، تولیت آستانه مقدسه حضرت معصومه(ع)، محل دفنی برای ایشان در داخل حرم و در نزدیکی ضریح مطهر در نظر گرفته بود، لیکن حسب وصیتشان که مرقوم فرموده اند: "مرا در راهروی ورودی کتابخانه، زیر پای محققانی که برای مطالعه و تحقیق به این کتابخانه مراجعه می کنند، دفن نمایید"، در راهروی کتابخانه بزرگی که خود آن را بنیاد نهاده است به خاک سپرده شد.

بنیانگذار این کتابخانه، از جمع آوری ذخایر اسلامی و تاسیس مرکزی بزرگ به منظور گردآوری و استفاده پژوهشگران از آن ذخایر، اهدافی داشتند که فهرست وار برخی از آنها را برمی شماریم: ۱) ایجاد یک مرکز بزرگ فرهنگی اسلامی بین المللی که روند توسعه و پیشبرد دستاوردهای عظیم علمی دانشمندان مسلمان را طی دوازده قرن گذشته بنمایاند، ۲) گسترش فرهنگ تحقیق و پژوهش در جامعه که ضرورت آن بیش از هر زمان دیگری احساس می شد، ۳) آگاهی پژوهشگران از وجود منابع مکتوب گردآوری شده در یک مرکز بزرگ و آشنایی بیشتر آنان با میراث اسلامی که در علوم و فنون مختلف نگارش یافته، و نام بسیاری از آنها در منابع موجود نیامده، از طریق تدوین و انتشار فهرست آنها، ۴) گردآوری نسخه های خطی نفیس اسلامی و تمرکز آنها در یک مرکز بزرگ، به منظور جلوگیری از تاراج این ثروت ملی که پیوسته از سوی سوداگران بین المللی از کشورهای اسلامی خارج می گردید، ۵) اولویت دادن به گردآوری نسخه های خطی کهن و یا نسخه های اصل به خطوط مولفان که از اعتبار و اصالت مربوط به هریک برخوردارند و تمرکز آنها در یک مرکز برای استفاده پژوهشگران، ۶) تهیه و جمع آوری تصویر و میکروفیلم و بایگانی از نسخه های خطی نفیس اسلامی که در صد سال اخیر از ایران و یا کشورهای اسلامی خارج شده و هم اکنون در کتابخانه های دیگر ملل قرار دارد.

همچنین تمرکز آنها به منظور دستیابی پژوهشگران، ۷) تحویل این گنجینه عظیم بشری به نسلهای بعدی تا از فرهنگ سرشار نیاکان خود آگاهی یابند و بتوانند در تدوین تاریخ علم از این میراث مکتوب، که تنها کلید راهیابی به آن است، استفاده نمایند، ۸) حفظ و حراست از ذخایر مکتوب اسلامی که از لایه های حوادث روزگار(از جمله آتش سوزی و بی توجهی زمامداران بی کفایت و علم ستیز به میراث مکتوب، اوج گیری و تشدید اختلافات مذهبی و فرقه ای در طول اعصار، سیل و زمین لرزه) به ما رسیده است. نیز بازسازی و ترمیم و تهیه میکروفیلم از آنها به منظور پیشگیری از فرسایش بیشتر این میراث بشری.

با مقایسه نسخه های خطی موجود در کتابخانه های کشورهای اسلامی پیش از هجوم مغولان و پس از آن، به خوبی، وسعت و دامنه این خسارتها را می توان به دست آورد. قطب الدین نهروالی در الاعلام باعلام بیت الله الحرام نوشته است: در حمله مغولان به بغداد در سال ۶۵۶ ق/ ۱۲۵۸ م، که منجر به سقوط بغداد و انقراض خلافت عباسیان گردید، مغولان کتابها و تالیفات مسلمانان را که در خزانه ها و مساجد و کتابخانه های بغداد و در مدارس، به ویژه در بیت الحکمه، قرار داشت، به دجله ریختند، همچنین در نیشابور که یکی از مراکز مهم علمی اسلامی در سده پنجم و ششم هجری به شمار می آمد، ترکمانان غز، کتابخانه بزرگ مسجد عقیل و پنج کتابخانه دیگر را سوزاندند و یا به تاراج بردند (الکامل، ابن اثیر، ۷/۴۹). کتابخانه های مرو و هرات نیز از مغولان مصون

نماند و در یورش و حشبیانه تمامی مراکز فرهنگی، به ویژه کتابخانه ها را آتش زدند. همچنین کتابخانه صاحب بن عباد در ری که به گفته تاریخ نگاران حمل آن با کمتر از چهارصد شتر انجام نمی شد، در حمله سلطان محمود غزنوی به این شهر، کتابهای کلامی، فلسفی، نجومی و معتزلی از این کتابخانه خارج شد و به دستور وی آنها را آتش زدند (الحضاره الاسلامیه فی القرن الرابع الهجری، ۳۲۶/۱ - ۲۰۳). در شهر اصفهان نیز کتابخانه نفیس مسجد جامع در اوایل سده ششم هجری به دست اسماعیلیه طعمه حریق گردید (الکامل، ابن اثیر، ۳۰/۵۸).

این کتابخانه براساس چندین سند رسمی، از سوی بنیانگذار معظم آن، وقف عام گردیده و تمامی کتابها و تجهیزات و ساختمان اصلی و فرعی و وابسته به آن، اعم از منقول و غیرمنقول، جزء موقوفه است. مقررات آیین نامه و اساسنامه کتابخانه براساس همان شرایط و مقرراتی است که در وقفنامه های یاد شده بر آنها تاکید گردیده است.

همچنین طی مصوبه ای در تاریخ ۱۳۷۶/۸/۷ در مجلس شورای اسلامی این کتابخانه در فهرست نهادهای رسمی عمومی و غیر دولتی ثبت گردید. آیت الله مرعشی از نخستین روز آغاز به کار کتابخانه در سال ۱۳۴۵ ش تولیت و ریاست آن را به فرزند ارشد و وصی خود حجت الاسلام دکتر سید محمود مرعشی، واگذار کرد. نیز به تصریح همین وقفنامه ها، تولیت کتابخانه بایستی در خاندان معظم له موروثی باشد، البته با شرایط مندرج در آن، با تقدیم طبقه سابق بر لاحق

این کتابخانه از لحاظ تعداد و کیفیت نسخه های نفیس کهن خطی اسلامی، نخستین کتابخانه در کشور ایران و سومین کتابخانه در جهان اسلام به شمار می آید. همچنین نزد پژوهشگران و محققان داخلی و خارجی از شهرت و اعتبار خاص برخوردار است. خدمات روبه گسترش این کتابخانه به گونه ای است که به یاری خداوند در آینده ای نه چندان دور، در ردیف نخستین کتابخانه های جهان اسلام قرار خواهد گرفت. بخش نسخه های خطی، با ۶۰/۰۰۰ عنوان، شامل کهن ترین نسخه های خطی - از جمله قرآن کهنی به خط کوفی، نوشته شده در اواخر سده دوم و سوم هجری - است، که فهرست این بخش، تاکنون در ۳۰ جلد انتشار یافته و احتمالا به ۶۰ جلد خواهد رسید. نیز، بخش کتب چاپ سنگی، شامل ۳۰/۰۰۰ نسخه. بخش اسناد مکتوب، شامل ۱۰۰/۰۰۰ سند دستنویس قدیمی، و بخش اسناد غیرمکتوب، شامل آثار علمی و فنی و هنری، همچون سکه های قدیمی، آلات نجومی قدیم - از جمله اسطرلاب - و... می باشد. نیز، بخش مخزن کتاب های چاپی، شامل ۷۵۰۰/۰۰۰ جلد کتاب است، که ۳ طبقه از فضای این کتابخانه را به خود اختصاص داده است. تعداد اعضای این کتابخانه، ۴۵/۰۰۰ نفر می باشد. البته این رقم ها، برخی مربوط به سال ۱۳۸۲ ش هستند و ممکن است بر مقدار آنها افزوده شده باشد.

آیت الله مرعشی نجفی - قدس سره الشریف - که به حق از فرهنگیان بزرگ میراث اسلامی در چهار سده اخیر به شمار می آید، از دیرباز ضرورت این بازشناسی فرهنگی را احساس نمود و از سنین جوانی در جمع آوری ذخایر و میراث عظیم فرهنگی علمای اسلامی لحظه ای درنگ را جایز ندانست. کوششهای پیگیر و گسترده ایشان زمانی آغاز شد که غارتگران بین المللی تلاشی همه جانبه را برای تاراج این میراث بشری آغاز کرده بودند. آیت الله مرعشی تا مدتها، یک تنه آثار ارزشمند و نسخه های بسیار نفیس اسلامی را از چنگ ناهلان

ساخت. سرانجام چهار سال بعد، زمینی به مساحت هزار مترمربع، روبه روی مدرسه مرعشیه که کتابخانه در طبقه سوم آن قرار داشت، خریداری گردید و در سال ۱۳۹۰ ق به دست شخص آیت الله مرعشی نجفی (ره) با بیش از شانزده هزار جلد کتاب خطی و چاپی، با حضور تعداد بسیاری از استادان و محققان و طلاب حوزه قم افتتاح گردید. هجوم علاقمندان و مشتاقان استفاده از ذخایر آن کتابخانه، دیگر بار مسئولان را بر آن داشت تا در سال ۱۳۵۸ ش بانصد مترمربع دیگر از زمینهای سمت غربی کتابخانه را خریداری کنند و به آن ضمیمه نمایند. به این ترتیب، مجموع زیربنای کتابخانه در پنج طبقه، بالغ بر ۴۵۰۰ مترمربع گردید. مرحله چهارم، استقبال بی نظیر حوزویان و دانشگاهیان، بار دیگر کتابخانه را با کمبود فضا روبه رو کرد. لذا ساختمان قدیمی شرکت بیمه ایران از سوی دولت به کتابخانه اهدا شد و تولید کتابخانه نیز تعدادی از خانه های پیرامون کتابخانه را خریداری کرد، و در مجموع، غیر از ساختمان قدیمی کتابخانه، زمین آن بالغ بر ۲۴۰۰ متر گردید. سپس بررسی و مطالعات آزاد برای آماده سازی نقشه های اجرایی ساختمان جدید آغاز گشت. بدین منظور، کارشناسان ایرانی، در طول یک سال و اندی، با سفر به کشورهای مختلف جهان، از ساختمان کتابخانه های مهم آنها بازدید کردند و پس از بررسی نهایی آماده و آنگاه طی مراسمی، در تیرماه ۱۳۶۹ ش، در پی گزارش مشروح تولید کتابخانه، نخستین کلنگ ساختمان جدید را به زمین زدند. در این مراسم، تنی چند از شخصیت های برجسته حضور داشتند و متاسفانه معظم له ۴۷ روز بعد روی در نقاب خاک کشید و پایان کار ساختمان جدید را مشاهده نکرد. به جزء مرحله نخست، همه مراحل بعدی با پیگیری و کوشش جدی متولی کتابخانه به انجام رسیده است.

منبع: کتاب گلشن ابرار و دایره المعارف تشیع



▲ حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمود مرعشی تولیت کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی نجفی

شیراز، آستانه حضرت عبدالعظیم در شهر ری و مدرسه فیضیه در قم هدیه کردند، که مجموعاً به هزاران جلد می رسد.

مرحله دوم، آیت الله مرعشی پس از تأسیس یکی از چهار مدرسه علمی بزرگ در قم، به نام مدرسه مرعشیه، در سال ۱۳۸۵ ق/ ۱۹۶۵ م، نخست کتابخانه کوچکی در دو اطاق مدرسه مزبور پی افکند. آن گاه در سوم شعبان همان سال (۱۳۴۴

مبلغ کم نیز کتاب بخرد. روزی هم پس از تحمل گرسنگی چند روزه، با پول ناچیزشان کتابی خریده و آن را در آغوش گرفته بودند که ناگاه بر زمین می افتند، لیکن همچنان کتاب را در آغوش خود می فشردند. گاه با گرو گذاشتن عبا و قبا و یا دیگر لباسهایشان کتاب تهیه می کردند.

انتقال کتابخانه، با مهاجرت ایشان از عراق به ایران در سال ۱۳۴۲ و مجموعه فراهم شده نیز به ایران انتقال یافت، و در منزل شخصی خویش به نگاهداری از آنها پرداخت، و سپس به جمع آوری دیگر نسخه های نفیس همت گمارد. در همان دوران، استادان مشهور دانشگاه به قم می آمدند و از نسخه های نفیس موجود در منزل ایشان - که در هیچ کتابخانه ای یافت نمی شد - بهره می گرفتند. شیخ آقا بزرگ تهرانی در تالیف الذریعه از کتابخانه معظم له بیشترین بهره را برده و در جای جای این اثر از ایشان یاد می کند. جمع آوری تدریجی کتابها و استقرار آنها در چند اتاق در منزل، ایشان را با کمبود جا مواجه ساخت. از این رو، نخست ۲۷۸ نسخه خطی نفیس را، که بیشتر به فارسی بودند، به کتابخانه دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران

کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی از لحاظ تعداد و کیفیت نسخه های

نفیس خطی اسلامی، در ایران نخستین کتابخانه محسوب می شود و خدمات روبه گسترش این کتابخانه به گونه ای است که به زودی در ردیف بزرگ ترین کتابخانه های جهان اسلام قرار خواهد گرفت. در این کتابخانه، بیش از ۶۰۰۰۰ نسخه خطی وجود دارد.

اهدا نمود، که در مقدمه جلد اول فهرست نسخه های خطی آن کتابخانه، بدان اشاره شده است. سپس شمار بسیاری از نسخه های خطی و چاپی دیگر خود را به کتابخانه های آستان قدس رضوی (ع) در مشهد مقدس و آستانه حضرت معصومه (ع) در قم، آستانه حضرت شاه چراغ در

بیرون آورد. همو بود که از دوران جوانی و آغاز تحصیلات عالی، و آن گاه که طلبه ای جوان بود، با چشمپوشی از نیازهای ضروری، مانند خوراک و پوشاک، به جمع آوری ذخایر اسلامی پرداخت.

اقدامات موثر ایشان، برخی از عالمان و فرزندان اسلامی را واداشت که آنها نیز به جمع آوری میراث علمی دانشمندان همت گمارند. حاصل این تلاشها و فداکاریها، وجود کتابخانه ای است که اکنون شهره آفاق است و یکی از بزرگترین کتابخانه های جهان اسلام به شمار می آید.

مراحل شکل گیری کتابخانه، مرحله نخست، هسته اولیه این کتابخانه هنگامی که موسس بزرگوار کتابخانه در نجف اشرف به تحصیل اشتغال داشتند شکل گرفته است. در آن روزگار ارزش و اهمیت میراث اسلامی بر همگان روشن نبود. ایشان نخست فهرستی از کتابهای ارزشمند خطی و چاپی نادر را که در کمتر کتابخانه ای یافت می شد تهیه کرد، به امید آن که بتواند به تدریج آنها را به دست آورد. عدم تمکن مالی و رقیبان قدرتمندی که میراث فرهنگی اسلام را از کشورهای اسلامی خارج می ساختند، دو مشکل اساسی برسر راه ایشان بود. می گویند روزی بر سرخريد یک نسخه خطی با نماینده کنسول انگلیس در عراق درگیر شد و شیئی را در زندان سپری نمود. آیت الله مرعشی با انجام نماز و روزه استیجاری، حذف یک وعده غذای روزانه، کاستن بخشی از مخارج زندگی و کار شبانه در کارگاههای برنج کوبی در نجف اشرف، پس از فراغت از درس و بحث، با انگیزه و عشق سرشار به جمع آوری میراث و ذخایر اسلامی و فائق آمدن بر مشکلات و شکنجه های روحی، که در مسیر این هدف مقدس قرار داشت، سرانجام به جمع مجموعه ای نفیس از نسخه های خطی و کتابهای چاپی نایاب توفیق یافت. هنگامی که ایشان طلبه بود و در نجف اشرف با شهریه ای اندک زندگی می کرد، بارها اتفاق می افتاد که ترجیح می داد با این

مرد بی سوادی که حافظ قرآن شد/ نوای قرآن کربلایی کاظم در رمضان

که شاید به خاطر همین سه چیز مورد لطف خداوند قرار گرفتم، این که هرگز لقمه حرام نخوردم، هرگز نماز ششم ترک نشد، پرداخت خمس و زکاتم را هرگز قطع نکردم.

لقمه حرام را بالا می آورم

وی می گفت: "وقتی می خواهم لقمه شبهه ناکی بخورم احساس سیری به من دست می دهد. وی می گفت: "روی سینه ام نوری را می بینم که به محض مواجه شدن با لقمه حرام آن نور به تیرگی گرایش پیدا می کند و اگر لقمه حرامی بخورم بالا می آورم."

لقمه حلال اصلی است که اگر در بین مردم رعایت شود جامعه را الهی می کند و آن زمان کربلایی کاظم رعایت می کرد.

چگونگی وفات کربلایی کاظم

ایشان ۲۰ روز قبل از فوتش در ساروق درباره مسئله فوت و دفن خود با فرزندان صحبت کرد. وی گفت من همین روزها فوت خواهم کرد. وقتی مردم جنازه ام را به قم منتقل کنید و در آنجا به خاک بسپارید.

آرامگاه کربلایی کاظم در قم و تصویر وی

وی کمی درنگ کرد و گفت خب اگر من اینجا بمیرم شما برای انتقال جنازه ام به قم دچار مشکل می شوید، من می روم قم، پس فردای آن روز به قم رفت و ۲۰ روز بعد در آنجا فوت کرد و در قبرستان نو به خاک سپرده شد.

و بالاخره حاج کربلایی کاظم ساروقی اراکی در سال ۱۳۷۸ در سال ۷۸ سالگی به رحمت خداوند پیوست.

بودن کربلایی کاظم همراه با اشاره هایی به ویژگیهای خارق العاده او وجود دارد. همچنین آیت الله دستغیب در کتاب داستانهای شگفت این ماجرا را نقل کرده است.

ویژگیهای منحصر به فرد

قرآن خوانی کربلایی کاظم

از جمله ویژگی هایی که گفته می شود در آزمایش های مختلف از کربلایی کاظم

مشاهده شد می توان به چند مورد جالب اشاره کرد. بازگویی شماره و مکان قرآن با خواندن آیه، تشخیص عبارات قرآن در میان کتابهای عربی و فارسی با دستخطهای یکنواخت، باز کردن قرآن و نشان دادن مکان آیه تقریباً بدون ورق زدن با هر چاپ قرآنی، جستجوی عبارتها و کلمات در قرآن و تعداد و مکان تکرار هر کدام، بیان کردن تعداد حروف سوره ها و اطلاعاتی در مورد تکرار حرفها از جمله این موارد است.

چرا کربلایی کاظم؟ / سئوالی که کربلایی

کاظم پاسخ داده است

با مرور زندگینامه و اینکه کربلایی کاظم حافظ کل قرآن شده است، این سؤال مطرح می شود که چرا خداوند کربلایی کاظم را مورد لطف خود قرار داده و او را حافظ قرآن قرار می دهد؟

خود کربلایی کاظم به این سؤال اینگونه پاسخ داده است که من سه چیز را رعایت می کردم



طول تاریخ اسلام از میان مردم حافظ کل قرآن شد. سادگی و بی آلاچی کربلایی کاظم را در چهره فرزند ارشد او که اکنون فرتوت است نیز می توان دید.

تایید حافظ قرآن بودن کربلایی کاظم

ادعای کربلایی کاظم توسط علمای نجف و قم مورد امتحان قرار گرفت و تایید شد.

کربلایی کاظم در سفرهایی که به شهرهای مختلف داشت با علمای مختلفی برخورد می کند و آزمایشهای متعددی از او گرفته می شود و همین امر تأییدات افراد مختلفی را به همراه دارد. از جمله آیات عظام بروجردی، سید احمد خوانساری، سید صدرالدین صدر، سید محمد هادی میلانی، دستغیب، علامه طباطبایی، مکارم شیرازی و دیگران.

دستنوشته هایی از آیات عظام سید شهاب الدین مرعشی نجفی، عبدالله شیرازی، سید احمد زنجانی، مکارم شیرازی در تایید حافظ قرآن

غروبی که کربلایی کاظم خسته به سمت امامزادگان ۷۲ تن ساروق می رفت نمی دانست به پاس اتفاق و زکات به موقعی که می دهد با دیدن خوابی مقدس، حافظ کل قرآن می شود، ولی چنین شد و کربلایی کاظم ساروقی پیرمرد ساده دل معجزه قرآنی قرن نام گرفت.

به گزارش مهر کربلایی کاظم کریمی که از اهالی ساروق بود حافظ بی سواد کل قرآن در قرن اخیر است و به همین دلیل به نام کربلایی کاظم ساروقی شهرت یافت.

در زمان حیات وی بسیاری از مراجع با فراخواندن وی به سوی خود بر معجزه خدایی و حافظ قرآن بودن وی با دست نوشته هایی صحه گذاشتند.

اکنون پس از سالها از رحلت این معجزه الهی قرار است نخستین جشنواره قرآنی نکوداشت کربلایی کاظم ساروقی اراکی در ایام مبارک ماه رمضان در استان مرکزی برگزار شود.

تنها بی سوادی که حافظ قرآن شد

کربلایی کاظم در سال ۱۳۰۰ هجری قمری در روستای ساروق اراک به دنیا آمد. او کشاورز بود و زکات خود حتی بیش از آنکه باید باشد، پرداخت می کرد. ۲۷ ساله بود که به یکباره پس از دیدن خوابی در امامزادگان ۷۲ تن ساروق حافظ قرآن شد.

دستخط کربلایی کاظم سالها پس از حافظ قرآن شدن

به گفته محققان او تنها بی سواد بی سواد است که در

عربستان و انقلاب های عربی

اشاره

رفعت سیداحمد اندیشمند مسلمان مصری، با بیان نقطه نظرات خود در مورد راهکارهای پیشبرد اهداف انقلاب ۲۵ ژانویه، از دخالت عربستان و برخی کشورهای مرتجع عربی برای انحراف خواسته های مردمی و بازگرداندن مصر به جایگاه قبلی خود انتقاد کرد.

این اندیشمند مصری، هوشیاری انقلابیون و پافشاری آنها برخواسته هایشان را مانع بزرگی برای پیروزی ارتجاع دانست و گفت: اعطای وام های کلان به دولت مصر برای حرف شنوی آن و در تنگنا قرار دادن کارگران مصری شاغل در شورهای نظیر عربستان و کویت نمی تواند بر اراده مردم مصر تأثیر آن چنانی داشته باشد.

به راه انداختن جریان های انحرافی مذهبی و تقویت وهابیت و سلفی گری توطئه دیگری است که این اندیشمند نسبت به آن در مصر هشدار داده است.

کشورهای غربی و برخی از رژیم های عربی تلاش دارند، انقلاب مصر را ناکام کنند تا حاکمیت غرب و آمریکا بر جهان عرب ادامه یابد. در این میان کاخ سفید با رژیم آل سعود و برخی از رژیم های عرب حوزه خلیج (فارس) هم پیمان شده تا با توسل به برخی اهرم ها از جمله دادن وام های مشروط به قاهره تلاش های انقلابیون برای تحقق استقلال و ثبات سیاسی در مصر را با شکست مواجه کنند.

تأمین هزینه های سازمان های جامعه مدنی و به خدمت گرفتن افراد و مزدورانی که اندیشه های وهابی در سرمی پروراند و واداشتن آنها به ایجاد فتنه و اختلافات داخلی در مصر و ایجاد هرج و مرج داخلی و تلاش برای بازگرداندن عناصر رژیم سابق از ترندهای به خدمت گرفته شده برای غلبه بر انقلاب مصر است.

مدیر مرکز تحقیقات سیاسی و استراتژیک "یافا" با بیان این که سیاست خارجی مصر پس از انقلاب همچنان در حال شکل گیری است، گفت: هنگامی که رئیس جمهور مصر و نمایندگان پارلمان انتخاب شوند، این سیاست کاملاً آشکار خواهد شد و انتظار می رود، این سیاست روابط قاهره با جهان را به شکل منطقی خود بازگرداند.

رفعت سیداحمد در ادامه از جوانان انقلابی مصر خواست با برگزاری تظاهرات مستمر در برابر سفارت آمریکا و رژیم صهیونیستی در قاهره تلاش های واشنگتن و تل آویو برای عدم تحقق اهداف انقلاب مصر را ناکام بگذارند تا سهمی در تبلور سیاست خارجی مصر در مرحله آینده داشته باشند و به حاکمیت آمریکا و دخالت عربستان سعودی در روند تصمیم گیری های سیاسی مصر پایان دهند.

به نظر رفعت سیداحمد دو نوع از انقلاب های عربی وجود دارد. نوع اول انقلاب های "مردمی و واقعی" است که کشورهای غربی و مشخصاً آمریکا را غافلگیر کرد و به همین دلیل تلاش کردند که براین انقلاب ها غلبه کرده و از آن به سود خود بهره برداری کنند و در رأس این نوع از انقلاب ها، انقلاب مصر و تونس است.

اما نوع دیگر انقلاب ها، انقلاب های ساخته و پرداخته [دست] آمریکاست که نمونه آن در سوریه قابل ملاحظه است، چون انقلابی واقعی را نمی توانی پیدا کنی که آمریکا به آن کمک کنند و به همین دلیل این انقلاب ها انقلاب هایی از نوع غربی شمرده می شود.

در سوریه هدف حمایت و پشتیبانی از رژیم صهیونیستی و قطع ارتباط سوریه با مقاومت عربی

در لبنان است که در حزب الله نمود پیدا می کند.

انقلاب مصر چه در بعد داخلی و چه خارجی بسیار قدرتمند آغاز شد و اسرائیل و آمریکا را غافلگیر کرد، به ویژه پس از این که جوانان مصری سفارت اسرائیل در قاهره را به محاصره خود درآوردند و تصمیمات دیگری که درباره منافع فلسطینی و گشایش گذرگاه رفح اتخاذ شد و تمایل خود را نسبت به توسعه روابط با ایران ابراز داشتند و دقیقاً از آن زمان بود که تلاش های بسیاری برای مصادره انقلاب مصر از سه طریق آغاز شد.

اولین آن دادن وام های خارجی از طریق عربستان سعودی و برخی از کشورهای حوزه خلیج فارس است که موجب فلج شدن تصمیم گیری های سیاسی در مصر می شود، چون دادن این قروض با شرط و شروط های سیاسی همراه است و کشورهای عرب حوزه خلیج (فارس) جز با چراغ سبز آمریکا این قرض ها را به مصر نخواهند داد و به این ترتیب مصر اقتصادی را بنا خواهد کرد که بر قرض های خارجی متکی است و با این که تاکنون شورای عالی نظامی گرفتن این قرض ها را رد کرده، اما ارائه پیشنهادات همچنان ادامه دارد.

اهرم دوم، مؤسسات و نهادهای جامعه مدنی مورد حمایت آمریکا هستند، در این ارتباط باید گفت، هم اکنون در مصر حدود ۶۰۰ سازمان و نهاد مردمی وجود دارد که از آمریکا کمک هایی دریافت می کند و از ابتدای انقلاب تاکنون این سازمان ها حدود یک میلیارد لیر مصری از واشنگتن کمک مالی دریافت کرده است که بالطبع هدف این کمک ها خیزش و قیام علیه انقلاب است تا آن را از مسیر درست خود منحرف و بحران های داخلی ایجاد کند.

سرانجام این که سومین ابزار، حمایت گسترده از جریان وهابیت در مصر است. براین اساس عربستان و دیگر کشورهای عرب حوزه خلیج فارس حمایت های بسیاری از سلفی ها در مصر انجام می دهند و ظرف ۲۵ سال گذشته این جماعت ها و گروه ها حدود ۲۵ میلیارد دلار از عربستان سعودی کمک مالی دریافت کردند. این جریان ها تحت عنوان ها و پوشش های مختلف ظاهر می شود و دارای حدود ۳۶ شبکه تلویزیونی ماهواره ای، ۲۰ هزار مسجد و ۲۰ هزار جمعیت خیریه است و در واقع نیرو و جریان خطرناکی است که تا پیش از انقلاب زیر لوای دستگاه های امنیتی مبارک فعالیت می کرد. هم اکنون کشورهای حوزه خلیج فارس مستقیماً این گروه را تحریک می کنند و ملاحظه می کنیم که سلفی ها افکار و اندیشه هایی علیه انقلاب مصر دارند و با این که ادعا می کنند، از حامیان و طرفداران آن هستند، اما

در واقع تیشه به ریشه انقلاب مصر می زنند تا به هر طریق ممکن این انقلاب تابع و وابسته اندیشه ها و افکار وهابی باشد که تماماً با اهداف انقلاب در تعارض است و آنها به این طریق درصدد بازگرداندن رژیم سابق و نقش گذشته آمریکا و اسرائیل در مصر هستند.

آنها به هر طریق ممکن سعی دارند ثمرات انقلابی را که جوانان مصری رقم زدند، برای خود بچینند و عملاً دیدیم که آنها در این انقلاب مشارکت نداشته، همانگونه که طی سال های گذشته هم مشارکت نداشتند، آنها در تمام طول سال های گذشته در کنار رژیم سابق بودند و با هر حرکت معارضی مخالفت می کردند.

جوانان مخلص و انقلابی مصر، این توطئه ها را با حضور میلیونی خود با هدف معرفی دوباره انقلاب و مقابله با طرح های آمریکا در مصر از طریق برگزاری تظاهرات مستمر در برابر دو سفارت آمریکا و اسرائیل در قاهره برملا خواهند کرد.

سیاست خارجی مصر

سیاست خارجی مصر تاکنون شکل نگرفته است، چون هنوز دولت نتوانسته بر اوضاع داخلی فائق آید و سیاست خارجی هر کشوری زمانی شکل می گیرد که اوضاع داخلی آن شاهد ثبات و استقرار باشد. در حالی که تاکنون نه در مصر دولتی پایدار تشکیل شده و نه انقلاب سیاست خارجی خود را به منصف ظهور رسانده است. افزون بر این بقایای رژیم سابق هنوز در دستگاه های دولتی حضور داشته و موانعی بر سر راه سیاست خارجی جدید مصر ایجاد می کنند، اگر چه شاهد چرخش آشکار سیاسی مصر در بخش سیاست خارجی طی دوره "نبیل العربی" بودیم و این تصویری شک پس از انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری روشنتر و شفافتر خواهد شد.

به نظر رفعت سیداحمد سیاست خارجی مصر در برابر ایران و کشورهای عربی مستقل و باز بوده و این به نفع مصر است که روابط متعادل و موزونی با همه کشورها داشته باشد و از این حیث تابع آمریکا و برخی از کشورهای عرب حوزه خلیج فارس یا اسرائیل نباشد.

عناصر در خدمت منافع آمریکا؟

عناصر بسیاری از این حیث در مصر وجود دارند، چون آمریکا طی سه دهه حضور خود در مصر مزدوران متعدد و بیشمار را در میان نظامیان و غیر نظامیان دست و پا کرد تا به این کشور و منافعش در مصر خدمت کنند و بالاخره این که باید به این نکته توجه داشت که مزدوران آمریکا در مصر هنوز سرنگون نشده و بسان گذشته نقش بسیار خطرناکی را برای ناکام کردن انقلاب مصر ایفا می کنند و به همین دلیل است که انقلابیون

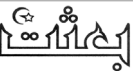
شیعیان مصر در محاصره عناصر مبارک

قرار می دهند، خارج کنند.

الدربنی گفت: اینها کافرانی هستند که با اقدامات خود دادگاه های تفتیش عقاید را به مصر باز می گردانند.

الدربنی هشدار داد: سلفی هایی که از سوی جریان وهابی حمایت می شوند، بزرگترین خطر برای آینده مصر بشمار می آیند.

الدربنی خاطرنشان کرد: مصر در معرض توطئه ای بزرگ قرار دارد، وهمگان باید امروز درباره این واقعیت آگاه شوند؛ زیرا عناصر باقیمانده رژیم مبارک قصد دارند با کشاندن کشور به خشونت و درگیری های داخلی، مانع از برچیدن قانون وضعیت فوق العاده در کشور شوند.



مصر بر محاکمه سران سابق و بیرون راندن بقایای رژیم از دستگاه های دولتی تاکید می کنند.

آل سعود در واقع از انقلاب مصر غافلگیر شده و از این بابت هم بسیار غمگین و هم هراسان و نگران است و نیات واقعی آنها در درخواستشان مبنی بر عدم محاکمه مبارک و تهدید اخراج کارگران مصری بر همه آشکار گردید. اما اکنون تلاش می کنند، به طور غیر مستقیم و از طریق مزدوران خود از جمله جریان وهابی در مصر در انقلاب نفوذ کنند، در واقع عربستان نفوذ فریبنده از طریق ابزارهای اقتصادی و جریان وهابی را جایگزین رویارویی مستقیم کرد و از این حیث با غرب متحد شده تا نه تنها انقلاب مصر که انقلاب های عربی را ناکام سازند که نمونه آن غیر از مصر در لیبی و دخالت ناتو در آن قابل ملاحظه است.

انقلاب بحرین و تحولات سوریه

در بحرین تلاش سعودی ها برای ناکام ساختن انقلاب این کشور عیانتر است، در بحرین اکثریت شیعه ای وجود دارند که پیروزی انقلاب آنها به معنای گسترش دامنه آن به شرق عربستان است، به همین دلیل عربستان در قالب نیروهای جزیره و برای سرکوب قیام مردم بحرین وارد این کشور شده است.

در حوادث سوریه نیز ردپای سعودی ها قابل مشاهده است، ناآرامی های سوریه در واقع طرحی سعودی-آمریکایی برای سرنگونی رژیم "بشار اسد" است تا به این وسیله رابطه دمشق را با مقاومت عربی در عراق و لبنان قطع کنند، اما در یمن، عربستان تلاش می کند، انقلاب را منحرف و قدرت را به پسر صالح بدهد.

مصر انقلابی و ایران اسلامی

مصر هنوز سیاست خارجی خود را به شکلی شفاف و روشن ترسیم نکرده، چون در مرحله گذار و انتقال است که بالطبع این موضوع گسترش روابط با تهران را نیز دربرمی گیرد و میراث بر جای مانده از حاکمیت رژیم سابق بر مصر در سیاست خارجی این کشور نیز عیان و قابل ملاحظه است.

این در حالی است که عربستان در زمان "مبارک" نقش انکارناپذیری را برای ایجاد خصومت و دشمنی میان دو کشور ایفا کرد و تصور می کنم، هنوز این میراث تغییر نکرده اما با تثبیت اوضاع همه چیز تغییر خواهد کرد، از جمله رابطه با ایران که برای منافع ملی مصر از ضروریات است، مصری که داشتن رابطه با اسرائیل را لازم می داند، چگونه می تواند، اهمیت داشتن رابطه مستحکم و گسترده با ایران را که یک کشور اسلامی قدرتمند است، نادیده بگیرد.

همچنین باید میان موضع رسمی و موضع مردمی در حمایت از مقاومت تفاوت قائل شد، در سطح رسمی این حمایت کاملاً آشکار و عیان نشده و اگر هم شده، چندان قدرتمند نیست، اما در سطح غیر رسمی این موضع کاملاً قدرتمند بوده ولی با این حال نیازمند حمایت بیشتر است. این نقش هنگام درخواست لغو پیمان "کمپ دیوید" و حمایت مادی و معنوی از مقاومت عربی و اسلامی و محاصره سفارت آمریکا و اسرائیل در قاهره کاملاً قابل ملاحظه بود تا سدی در برابر نفوذ آمریکا و اسرائیل در مصر باشد.

باید این را هم اضافه کنم که اگر همه مصری ها بر حمایت از انقلاب و مقاومت اتفاق نظر داشته باشند، مزدوران و کسانی که درصدد سرقت انقلاب هستند، سرنگون خواهند شد و اگر نقاط مشترک خود را تقویت کنند، این موضوع به حل مشکلات داخلی کمک بسیاری خواهد کرد.

استاد خسروشاهی در گفتگو با نشریه مثلث:

تلاش های ارتجاعی عربستان علیه انقلاب های منطقه

قصر های - استوار - یا ستون های بلند که مانند آن در هیچ کجا ساخته نشده بود؟ و با قوم ثمود که در دره ها، تخته سنگ ها را می بریدند - و خانه می ساختند - و فرعون که سپاهی نیرومند داشت. همان ها که در بلاد طغیان کردند و فساد و تباهی بسیار کردند تا پروردگارت تازیانه عذاب بر آنها فرود آورد. که خدای تو در کمین گاه است... این آیات البته درباره همه اقوام ستمگر، افراد طغیانگر و برپاکندگانی فساد و تباهی در بین بندگان خدا و مردم سرزمین های مختلف است، اما تکیه بر فرعون که با سپاهی نیرومند، خود را مقتدر و توانا می پنداشت و بر مردم سرزمین خود جفا روا می داشت، نشانگر عاقبت هر فرعوننی است که در مصر یا هر سرزمین دیگری به طغیان و ظلم و ستم برخیزد و اکنون، مبارک در قفس آهنی و چنگال عدالت و قانون، که همان کمینگاه الهی است، گرفتار شده است تا "تاوان" جنایات خود را پس بدهد. و شاید که عبرتی بر دیگر دیکتاتورهای منطقه باشد. اگر بخواهیم بدانیم که حسنی مبارک چه جنایاتی را در کشور خود مرتکب شده است باید اشاره کنم که در مصر ۸۰ میلیون نفری، شاید نصف مردم آن زیر خطر فقر بسر می برند. بیکاری معضل اصلی جامعه است.

نسل جوان مصر نه تنها آینده ای ندارند، بلکه امروز همه با مشکلات بسیاری رو به رو هستند. در پایتخت مصر - قاهره - که کاخ های ریاست جمهوری و رجال در آن سر برافراشته اند، طبق آمار خود اهالی حکومت، دو میلیون نفر در "مقابر" فاقد آب و برق و امکانات به اصطلاح زندگی می کنند و به سر می برند. در واقع فساد و فحشا در مصر، محصول دوران دیکتاتوری حسنی مبارک و پیشینیان اوست. حسنی مبارک گاز مصر را به اربابان ترین قیمت به اسرائیل فروخت، تنها مرز خاکی غزه را روی فلسطینیان بست و محاصره غزه را با همکاری اسرائیل تکمیل کرد. حتی برای جلوگیری از "نفق سازی" اهالی فلسطین، دیواری پولادین در نواحی مرزی با عمق چندین متری در زیرزمین ایجاد کرد تا فلسطینی ها از راه تونل های ابتدایی هم نتوانند غذا و دوا به شهروندان مسلمان ساکن غزه برسانند. حسنی مبارک سی سال تمام در کشور مصر به وضعیت فوق العاده، ممنوعیت اجتماع و تشکیل احزاب جدید ادامه داد و هرگونه تظاهرات مسالمت آمیز را هم ممنوع کرد... در ادارات پلیس مصر، در طول سال ها صدها نفر با

حجت الاسلام والمسلمین استاد سید هادی خسروشاهی، اولین رئیس دفتر حفاظت منافع ایران در قاهره پس از انقلاب اسلامی در رابطه با محاکمه حسنی مبارک بر این باور است که با توجه به جنایاتی که مبارک طی ۳۰ سال زمامداری اش انجام داده است، هرگز محاکمه یا حتی اعدام خائنان و عاملان اصلی، جبران کارهایی که انجام داده اند، نخواهد بود. وی معتقد است که از نخستین خواسته های جوانان انقلابی محاکمه مبارک و عوامل وابسته اش بود اما به واسطه فشارهای همه جانبه آل سعود و دیگر حاکمان ارتجاعی این محاکمه شش ماه به تأخیر افتاد و به نظر می رسد که افراد و گروه ها مانع از تحقق عدالت واقعی در حق مجرمان خواهند شد مگر آنکه انقلاب گران ساکت نشوند و اجازه ندهند که انقلاب شان مصادره شود.

نشریه مثلث - سعیده سادات فهری
آیا پس از ۳۰ سال دیکتاتوری محاکمه حسنی مبارک و پسرانش برای جبران کارهایی که آنها انجام داده اند کافی خواهد بود؟

بی تردید جبران آثار زیانبار و منفی سی سال حکومت قلدری و دیکتاتوری، با محاکمه حسنی مبارک و باند وابسته به او اعم از پسرانش یا اواباشی که به نام "رجال" به غارت، فساد، تباهی و نابودی ارزش های مادی و معنوی یک ملت پرداخته بودند هرگز امکانپذیر نخواهد بود. چگونه می توان خسارت های بی شمار دوران دیکتاتوری سرهنگ حسنی مبارک و پیش از او سرهنگ انور سادات و سرهنگ ناصر را با محاکمه چند نفر جبران کرد؟

البته این محاکمه می تواند نشان دهد که سرانجام دوران حکومت ظلم و ستم پایان می پذیرد و ستمگران با کيفر دنیایی و ذلت و خواری رو به رو می شوند و خداوند در کمین آنان است و آنان را به سزای اعمالشان خواهد رساند. بنده وقتی به منظره در قفس آهنی افتادن مبارک نگاه می کردم که هرگز کسی حتی تصور تحقق آن را نمی کرد، به یاد مرحوم آیت الله طالقانی، مرد پاک، وارسته و مجاهد تمام زمان افتادم که به هر مناسبتی، در آغاز یا پایان سخنرانی ها یا جلسه تفسیر خود در مسجد هدایت آیات سوره "والفجر" و سپس ترجمه آن آیات را برای فهم عموم بیان می کرد: "والفجر و لیل عشر...؛ سوگند به سپیده دم و به شب های دهگانه، آیا ندیدی که خدای تو با "عاد" چه کرد؟ با دارنده

توان تغییر شرایط ناآرام مصر را انتظار داشت زیرا مشکلات مردم مصر در سایه ۶۰ سال حکومت جابرانه سرهنگ های کودتاچی، سرکوب مردم و قتل تمام رهبران حرکت های اسلامی به ویژه اخوان المسلمین، جماعت اسلامی، سازمان جهاد اسلامی و... افزایش یافته است و نفرت و انزجار مردم از روش های غلط در امور اجرایی کشور، تن دادن به ذلت و خواری در برابر امپریالیسم و صهیونیسم توسط حکام، فقر عمومی و بحران اقتصادی مهلک و... از مسائلی نیست که فقط با محاکمه دیکتاتور و بدون اقدام به ساخت کشور از نو برطرف شود و موجبات آرامش مردم فراهم آید.

البته از لحاظ روانی این محاکمه که در واقع محاکمه سیاست احمقانه غرب و آمریکا در منطقه و به ویژه در مصر است می تواند موجب آرامش روحی شود اما بدون جبران خسارت های سهمگین و بی شمار باقیمانده از این حکومت نباید در انتظار آرامش سریع و فراگیر واقعی بود. البته اگر ژنرال های مبارک که حکومت فعلی را در تمام سطوح در اختیار دارند قدرت را به طور مسالمت آمیز ترک کنند و به دولت وحدت ملی تشکیل شده از انتخاباتی آزاد تحویل دهند می توان امیدوار بود که آرامش به تدریج به این کشور باز گردد.

اگر آرامش در مصر برقرار شود، آیا موقتی خواهد بود یا پایدار؟

آرامش مورد انتظار پس از آنکه به دست آمد بستگی کامل به نوع عملکرد دولت جدید در راستای عملی ساختن اهداف اصلی انقلاب خواهد داشت. اگر حکومت انتخابی - مردمی آینده بدون حضور سرنیزه و تانک ژنرال ها بتواند به نیازهای مادی و معنوی مردم مصر رسیدگی کند، پاسخ دهد و مشکلات معیشتی و ارزشی ایجاد شده را برطرف سازد، بی تردید آرامش پایدار خواهد بود. اما اگر نیروها و احزابی که امروز به صحنه آمده اند با سهم خواهی و ایجاد اختلافات حزبی و دور شدن از وحدت ملی و اهداف کلی به اختلافات موجود دامن بزنند، نمی توان توقع داشت که آرامش پایدار بماند به ویژه که اکنون و پس از اسقاط رژیم منحوس دیکتاتوری مبارک ترس ها به کلی فرو ریخته و جوانان به خصوص اسلام گرایان آمادگی کامل برای ادامه نبرد و مبارزه تا پیروزی نهایی و تشکیل دولت اسلامی را دارند که البته به طور شفاف در نماز جمعه هفته گذشته در میدان آزادی قاهره خواستار آن شدند و آن را رسماً اعلام داشتند.

مجله مثلث، شماره ۸۹، ۹۷/۵/۲۳

سرنوشت مبارک و قذافی در انتظار آل خلیفه

هاست که به منظور اولویت دادن یک مذهب بر مذهب دیگر است و چهارمین نوع تابعیت طبقاتی است که به منظور تضعیف تاجران یک جناح یا گروه یا مذهب مشخص و ترجیح دادن بر تاجران مذهب دیگر است.

وی در خصوص اقدامات کمیته تحقیق به ریاست بسیونی گفت: تاریخ نقض حقوق بشر رژیم بحرین مربوط به دو ماه پیش نیست بلکه به ۲۰ سال پیش بازمی گردد. الشهابی تصریح کرد: این کمیته که به دستور حمد بن عیسی آل خلیفه پادشاه بحرین تشکیل شده است به هیچ وجه این رژیم دیکتاتوری را که مسوول همه جنایت ها اعم از مساله تابعیت سیاسی، کشتار غیرقانونی، شکنجه، بازداشت خودسرانه، تحریب مساجد و بازکردن پای اشغالگران سعودی به این کشور است؛ محکوم نخواهد کرد.



مردم به منظور از بین بردن آنها از نظر سیاسی و فرهنگی مانند کشتار جمعی است.

الشهابی با بیان این که در بحرین چهار نوع تابعیت وجود دارد؛ تصریح کرد: از نظر جمعیت شناختی با افزایش افراد تابعیت گرفته از دو قبیله خوالد و دواسر عربستان سعودی و

دیرالزور سوریه، پاکستان و اردن که دادن این نوع تابعیت به منظور تغییر ترکیب جمعیتی از نظر تعداد افراد منتسب به مذهب خاصی صورت می گیرد. وی گفت: نوع دوم تابعیت سیاسی است و هدف از آن تشکیل دو گروه سیاسی از افراد تابعیت گرفته متعلق به کشورهای غربی و افراد تابعیت گرفته دیگر کشورهاست تا در فرایند سیاسی شرکت داده شوند. الشهابی افزود: تابعیت مذهبی از دیگر تابعیت

بحرین مبنی بر اعطای تابعیت به بیگانگان برای تغییر ترکیب جمعیتی این کشور گفت: دست یافتن بر آمار حقیقی تعداد افرادی که تابعیت گرفته اند بسیار دشوار است اما آماری که دو سال پیش منتشر شد و بر اظهارات مسوولین استناد داشت بیانگر این است که تعداد افرادی که تابعیت گرفته اند بالغ بر ۱۵۰ هزار نفر است. وی افزود: حتی زمانی که جمعیت الوفاق در پارلمان اعلام شمار افراد تابعیت گرفته را درخواست کرد رژیم بحرین از ارایه آمار خودداری کرد که این مساله بیانگر بی احترامی این رژیم حتی به پارلمانی است که خود تشکیل داده بود.

دبیرکل جنبش آزادگان بحرین گفت: اعطای تابعیت در بحرین تصادفی نیست بلکه برنامه ریزی شده و بر اساس طرح مشخصی است. وی افزود: این اقدام رژیم بحرین مصداق کشتار جمعی در عرف بین المللی و قوانین سازمان ملل است به این معنا که به حاشیه راندن طائفه یا بخشی از

لندن (العالم)- دبیرکل جنبش آزادگان بحرین با اشاره به احتمال صدور ۲۵ سال زندان برای شیخ محمدعلی محفوظ دبیرکل جمعیت عمل اسلامی بحرین، گفت: رژیم آل خلیفه نیز مانند رژیم های دیکتاتوری حسنی مبارک در مصر و معمر قذافی در لیبی محکوم به سرنوینی است. "سعید الشهابی" در گفت و گو با العالم اظهار داشت: اقدام رژیم حمد بن عیسی آل خلیفه پادشاه بحرین برای حبس شیخ محمدعلی محفوظ برای تثبیت اقدامات سرکوبگرانه این رژیم است. الشهابی گفت: رژیم بحرین همه مرزهای انسانی، سیاسی و اخلاقی را در هم شکسته و دیگر موردی باقی نمانده که بدان اقدام کند.

وی با تأکید بر این که رژیم بحرین رو به زوال است؛ افزود: قهرمانان، فرهیختگان، زاهدان و اصلاحگران بحرین با یاری خدا و بنا بر وعده حق تعالی پیروز خواهند شد. دبیرکل جنبش آزادگان بحرین با اشاره به اقدام رژیم

همایش تحولات جهان اسلام و ضرورت آشنایی ملت ها با مکتب اهل بیت (ع)

در حاشیه نوزدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم، همایش بزرگداشت علامه عسکری با موضوع تحولات جهان اسلام و ضرورت آشنایی ملت‌ها با مبانی مکتب اهل بیت (ع) برگزار شد.



علامه در مقابل دروغ پردازی ها ایستادگی کرد

در ابتدا دبیر این همایش حجت الاسلام والمسلمین حسین زاده با اشاره به نقش علامه عسکری (ره) در تحولات جهان اسلام و آشنایی ملت های مسلمان با مبانی اهل بیت (ع)، توجه به علما و بزرگداشت آنها را ضروری دانست و اظهار داشت: تکریم علما در واقع تکریم خدا و رسولش است.

وی با بیان اینکه این همایش با هدف گرامیداشت شخصیت علامه عسکری برگزار شده است، ادامه داد: بررسی نقش علما در تحولات جهان اسلام و ضرورت آشنایی ملت های مسلمان با مبانی اهل بیت (ع) و بررسی نقش علمای بزرگ شیعه در گسترش مبانی اهل بیت در جهان اسلام از دیگر اهداف این همایش است. حجت الاسلام والمسلمین حسین زاده اضافه کرد: علمای دین در تحولات جهان اسلام نقش اساسی داشتند؛ از جمله آنان علامه عسکری (ره) است که نقش مهمی در تحولات جهان اسلام داشت.

وی بیان داشت: علامه با طرح اندیشه های ناب و انتشار آثار فاخر و ارزشمند به تبیین مبانی شیعه در جهان اسلام پرداخت و میراثی ماندگار از خود به جا گذاشت.

دبیر همایش عنوان کرد: علامه عسکری (ره) آثار فراوانی برای اندیشمندان جهان اسلام به یادگار گذاشت که بسیاری از این آثار روشنگر و تبیین گر تاریخ اسلام و حقایق شیعه بوده و بسیاری از اندیشمندان با این آثار به حقانیت شیعه پی بردند.

حسین زاده گفت: وی نقش مهمی در تحولات کشور مصر و برخی کشورهای عربی داشت و آن چنان که در کشورهای عربی شناخته شده است ولی در ایران شناخته نشده است، البته برگزاری جشنواره علامه عسکری (ره) کمک شایانی به معرفی شخصیت این عالم گرانقدر در میان ایرانیان داشته است.

وی افزود: علامه با تکیه بر قرآن، سنت، تاریخ و کلام اسلامی توانست حقایق اسلام را روشن کند و در مقابل شبهات و تحریفات و افسانه های دروغین ایستادگی کند.

دبیر همایش عنوان کرد: در طول زندگی خود نسبت به تحولات جهان اسلام به ویژه عراق و کشورهای اسلامی همواره تلاش کرد تا بتواند از کشورهای اسلامی دفاع کند؛ روح بلند و آثار و اندیشه های وی مانند خورشیدی می درخشد.

وی به پیش بینی های علامه عسکری (ره) در زمینه تحولات جهان اسلام اشاره کرد و اظهار داشت: سفارش به وحدت کلمه میان مسلمانان در

جهات احیا و باز کردن راه حیات اسلامی و طرح نهضت اسلامی که طلیعه آن از سوی علمای ایرانی صورت گرفت از پیش بینی های این عالم آگاه است.

مدیر عامل مؤسسه علامه عسکری (ره) در پایان متذکر شد: وی علما را به پیوستن به نهضت و انقلاب اسلامی ایران دعوت می کرد و تصریح داشت که این نهضت در هر کشوری پیروز شود آثارش در سایر کشورهای اسلامی گسترش می یابد و نفوذش به همه مسلمانان می رسد.

سردرگمی بشر با اهل بیت (ع) به سامان می رسد

دومین سخنران همایش حجت الاسلام والمسلمین عبدالمجید حکیم الهی مدیر روابط بین الملل جامعه المصطفی بود که متن بخشی از سخنرانی وی به شرح ذیل می باشد:

با نگاهی کلی به وضعیت جهان امروز به لحاظ تولید علم و تبادل اطلاعات در می بینیم که علم در همه عرصه ها رشد شتاب زده ای به خود گرفته است. چاپ میلیون ها کتاب و تشکیل و تأسیس میلیون ها وب سایت و بهره گیری از فضای سایبری، بارگذاری مقالات زیاد در فضای مجازی، تأسیس و راه اندازی هزاران هزار کانالهای ماهواره ای و فضایی گوشه ای از حجم عظیم تبادل اطلاعاتی است که امروزه در سراسر جهان ما شاهد آن می باشیم. هر چه حجم عظیم و گسترده علم و اندیشه افزون می گردد اما دردها و رنجها و آلام بشر کاهش نمی یابد. در حوزه های مختلف علمی و اندیشه ای

صنعت و تکنولوژی مقالاتی زیادی برای فراهم آوردن یک زندگی راحت و آسان تولید می شود اما ما شاهدیم که با افزون شدن مقالات و تولیدات علمی و دستاوردهای علمی در ساحت های مختلف رنج و گسستگی نظام خانواده کاهش نمی یابد. حتی دنیا و تمدن غربی و سکولار ضد دینی و خود متفکران وفادار به آن تفکر و اندیشه اقرار نموده اند که هر روز آلام بشر و رنجهای مردم بیشتر می شود. آنها دریافته اند که نظام زندگی آنها نقص و دچار مشکل است. اعتراف کرده اند که نظام کنونی که بر جهان حکم فرماست نمی تواند بشر را به مدینه فاضله و به سعادت رهنمون کند. عدالت مرده است. کشتار روز به روز بیشتر می شود. تهاجمات فرهنگی سبب شده که معنویت و اخلاق و ارزشهای انسانی هر روز یکی پس از دیگری جایگاه خود را از دست بدهد مردم و بشر معاصر در تاریخ معاصر وقتی مواجه با این نابسامانی هادر زندگی خود شده است برای برون رفت از این آلام و مشکلات جانسوز و قلب سوز مردم به فکر چاره و اندیشه افتاده است. برای این چاره و اندیشه حرکتی یا خیزشی یا نهضتی اخیراً در دنیا رخ داده و پدیده ای را ما شاهد آن هستیم ابتدا در جهان اسلام و کشورهای عربی آغاز شد و گستره آن هر روز گسترده تر می شود و عرصه آن بیشتر می شود و سراسر جهان را در بر می گیرد. مهم این است که این پدیده چه پدیده ای است - آیا این پدیده ای که رخ داده است به تنهایی خود میتواند جواب گوی آن همه دردها و نیازها بشر بوده باشد یا نه بذای تبیین و چرایی حوادثی که اتفاق می افتد چه حادثه هایی اجتماعی و چه پدیده های سیاسی روشهای گوناگونی به کار برده می شود.

گاه با نقد عملکرد گذشته برای برون رفت از

این وضعیت تفکر و اندیشه می شود. گاه بر مبنای ایده های شخصی تحلیلی از این پدیده ها ارائه می گردد. اما آنچه مسلم است این پدیده ای که اخیراً به وقوع پیوسته و کمتر از یک سالی است که تمام معادلات سیاسی اجتماعی علمی و فرهنگی را به هم ریخته است و تحلیلگران روابط بین الملل را دچار سردرگمی کرده است و جامعه شناسانی که نظریه پردازان علوم اجتماعی بوده اند را سر درگم کرده این پدیده را چگونه می توان تحلیل کرد. تحلیل هایی مختلفی برای این پدیده از سوی تحلیل گران و مفسران به صورت متناقض و متضاد ارائه شده است که ما می توانیم این تحلیل ها را به سه قسمت و سه بخش تقسیم کنیم. بخشی از تحلیلها این موارد و پدیده ها را با تأکید بر پارادایم تحلیل گری غربی تقسیم کرده اند و آنها زائیده مسائل مادی همچون مشکلات اقتصادی، ظلمی که بر مردم روا شده است بی عدالتی که بر آنها گذشته است می دانند. می گویند به علت مسائل و مشکلات اقتصادی این پدیده ها رخ داده است. و آن ثوره الجیاع نامیده اند و یا ثوره الیاسمین نامیده اند. یا ثوره الکرامه نام گذاشته اند. بخش دیگری که این پدیده ها را بر اساس تفکرات



دینی تقسیم کرده اند و واکاوی های خود به این مسئله بازگشت به هویت اسلامی و ملی اشاره رفته اند. و گروه سوم جمع بین تحلیل اول و تحلیل دوم کرده اند. گفته اند هم مسائل مادی و هم مسائل اقتصادی بشر و هم مسائل روحی و معنوی انسان معاصر سبب شده است که این پدیده در جهان امروز رخ بدهد چرا که بشر از وضعیت و نظام ویسیستمی که در آن بوده خسته شده است. به کوچه و خیابان آمده است. خانه و کاشانه خود را رها کرده است. اما سوال اینجاست آیا این بیداری اسلامی یا ثوره الجیاع یا ثوره الیاسمین یا ثوره الکرامه یا هر نامی بر آن بگذاریم آیا این پدیده توانسته است به ظلم فراگیر پایان بدهد. و آیا این بیداری اسلامی توانسته است انسان معاصر را وارد مرحله ای جدید بکند و آیا این بیداری اسلامی اهداف خود رسیده است و آیا این بیداری اسلامی به عنوان جایگزین و بدیل، نظامی را معرفی کند که بتواند از آن دردها و رنجهای گذشته نجات یابد. مهم اینجاست در نظامی که حاکم بر ما بوده است خسته شده ایم اما نظام جایگزین و سیستمی که بتواند اداره امور بکند چه نظامی است. امروز یک خلایبی در بین جهان اسلام وجود دارد. این پدیده هایی که رخ داد از تونس گرفته و امروز به قلب اروپا هم راه یافته است خلایبی در بین دست اندکاران آن وجود دارد. در کشور های اسلامی برای معرفی نظام جایگزین شعار می دهند الاسلام هو الحل اما سوال این است کدام اسلام حلال این مشکل است. و چگونه اسلام می تواند یک نظامی را جایگزین نظام موجود معرفی نماید؟ این خلا فکری و عطش امروز جوامع بشری وظیفه ما را دو چندان می کند. اگر اسلام، اسلامی که به تبیین و تعریف و تعبیر مکتب خلفاست آن بخواهد حل

کند سردمداران این اسلام تا چند روز اخیر در یک سردرگمی شگرفی فرو رفته بودند. ملاحظه کنید بزرگترین دانشگاه اسلامی در مکتب خلفا دانشگاه الازهر است. اما جامعه الازهر نتوانسته است موضع و جایگاه خود را در برابر این حوادث روشن کند. پس کجا اسلام هو الحل است و چگونه اسلامی تواند راه گشا باشد. در رابطه با اینکه اسلام هو الحل و راه گشاست دو قطب امروز برای نظریه پردازان وجود دارد. قطب اول قطب عقلانیت و گرایش به عقلانیت بریده از وحی است. آمده اند با مسائل عقل گرایی آن عقلی که پیوندش با وحی بریده شده است با آن مسائل را بازیابی و واکاوی می کنند و به مردم معرفی می کنند قطب دوم که در سرتاسر جهان نظریه پردازان می کنند و می خواهد بر مبنای آن دیدگاه اسلام هو الحل را معرفی نماید قطب ظاهر گرایی است. تمثل آن در القاعده و فکر طالبانی متبلور می شود وجود دارد. اما روشن است که هیچ کدام یک از این دو قطب نمی تواند پاسخ گوی خلا فکری و اندیشه ای و مبانی معرفتی جهان معاصر باشد امروز در این تحولاتی که در جهان معاصر به وجود آمده است همه تشنه و علاقمندند که مبانی فکری و عقیدتی خود را مستحکم کنند. شاید بنده با بیش از ۵ و ۶ گروه از برادران اندیشمند و متفکر تونس و مصری نشسته ام و آنها یک سوال دارند که چگونه بین جمهوریت و اسلامیت می توان جمع کرد. و چگونه اسلامی می تواند اداره زندگی مردم را بکند. برادرانی که برای مسئولین نوشتن قانون اساسی در تونس بودند آنها تحصیل کرده غرب و فرانسه بودند و از سویی اصالت های دینی را هم داشتند اما دارای یک تناقض بین جمهوریت و اسلام بودند چرا؟ به جهت اینکه آنها می دیدند که اسلام می گوید از حاکم وقت پیروی کن گرچه ظالم و فاسق و شارب خمر و تو را با تازیانه بزند باید از او اطاعت کنی؟ در آنجا کتاب نقش ائمه در احیا دین علامه عسکری را آوردم و تحلیلی که آن مرد بزرگ نسبت به این روایات بیان فرموده و جعلی است و از کجا و برای چه جعل شده آنها را بیان کردم که این روایات مجعول دستگاه بنی امیه است که هر گونه که می خواهد بتاند بر مردم حکمفرمایی کند و درخواست تعدادی از این کتابها را کردند. پس الاسلام هو الحل اما کدام اسلام؟ اسلامی که بر مبنای عقلانیت بریده از وحی است یا اسلامی که بر ظاهر گرایی متبلور در القاعده و طالبان است نه هیچ کدام نمی تواند پاسخ گوی نیاز بشر امروز باشد. بر همین اساس است که بزرگترین دانشگاهها و مراکز اسلام شناسی در قلمرو فقه و حدیث و تاریخ در برابر این جریانات سکوت اختیار کرده اند. لازهر در سردرگمی فرو رفته است و هیچ موضع مثبتی را اظهار نکرده است. آن اسلامی که می تواند راه حل باشد اسلامی است که بر پایه و مبانی مکتب حیات بخش اهل بیت (ع) پایه ریزی شده باشد. از همین جا استفاده می کنم در بعضی از کشورها شاهد خیزش مردم بودیم به خاطر این است که رگه های فهم و درک مکتب اهل بیت در میان آنها وجود داشته است. تونس و مغرب عربی حکومت اسلامی در آنجا بوده است. نزدیک چند صد سال حکومت فاطمیون در آنجا حاکم بوده است لذا آنها خیزش در برابر ظلم را از این مکتب فرا گرفته و آموخته اند. اما آنچه امروز وظیفه ماست این است که بتوانیم به این خلا فکری که در جوامع اسلامی و غیر اسلامی وجود دارد پاسخی مناسب بدهیم. اخیراً فیلمی تهیه شده

تجلیل از استاد خسروشاهی به خاطر مجاهدت‌ها و دفاع از حریم مکتب اهل بیت (ع)



داشتند و از من خواستند نه به عنوان شعبه ای از حزب در ایران، بلکه یک تشکیلی مشابه در حوزه علمیه قم بوجود بیاوریم، البته با توجه به فضای حاکم در ایران و جوی که در حوزه علمیه قم بود بنده از ایشان خواستم که در این عرصه وارد نشوم بویژه سن من هم ایجاب نمی کرد که در کادر اصلی این نهاد باشم ولی به تعهد عمل کردم و آن راز را با کسی در میان ن نهادم و در این اواخر مختصری از خاطرات را نوشته ام که آماده چاپ است و بسیاری از برادرانی که امروز اداره امور عراق را به دست دارند مانند آقای جعفری، نوری مالکی، علی دباغ و ... تربیت یافتگان مکتبی هستند که علامه عسکری یکی از پایه گذاران آن بود.

مساله ای که در اینجا می تواند تاثیر گذار باشد این است که ایشان و همکارانشان در نیم قرن پیش برای این بیداری اسلامی کتاب نوشته اند. کتابهایی که شهید صدر در فلسفه و اقتصاد و اجتماع نوشتند در واقع کمر مارکیست‌ها و سرمایه داران را شکستند. یعنی در واقع در عالم فکر و اندیشه مطالبی را عرضه کردند که مارکیست‌ها در مقابل آن عاجز ماندند. علل و عوامل گوناگونی در بیداری اسلامی کنونی هست ولی باید پذیرفت ولی باید پذیرفت پایه گذاران اصلی بیداری اسلامی در کشورهای عربی شخصیت‌هایی چون شهید صدر و علامه عسکری بودند و البته رهبری امام خمینی در پیروزی رساندن انقلاب اسلامی نقش اساسی دارد.

این ادب از شجاعت فراموش نشدنی برخوردار است یک محقق شجاع که وارد عرصه های پیچیده علمی و فکری و اعتقادی می شود و با شجاعت و قدرت از میدان بیرون می آید. اینها ثمرات ارزشمند تربیت در مکتب اهل بیت ع است اگر انسان خود را آراسته بنماید به آراسته های دینی به آرایه های مکتب اهل بیت ع این ظرفیت‌ها و توانایی‌ها را به دست خواهد آورد این است که جهان تشیع در همه عرصه ها پیشگام است. امروز در عرصه سیاست و رویارویی با نظام سلطه و دفاع از هویت اسلامی و ملی امت اسلام این ملت ایرانند این پیروان مکتب اهل بیت هستند که راه را به روی ملتها گشودند. و یک جبهه قدرتمند اسلامی را از غرب تا شرق شکل دادند هلال اسلامی ثمره رویش تفکر شیعی است در تقابل با نظام سلطه و مزدوران آنها در منطقه. اگر در عرصه تبیین مبانی فقهی و اصولی راه پیدا می کنند مقتدرترین، غنی ترین، کارآمد ترین کتب علمی را به یادگار می گذارند که نمی توانند دیگران در این عرصه‌ها در کمترین سطح رقابت با آنها حضور پیدا کنند. و اگر در عرصه های تاریخی حضور پیدا می کنند آثار ارزشمند این عالم بزرگ را می بینیم.

در پایان همایش تحولات جهان اسلام و ضرورت آشنایی ملت‌ها با مکتب اهل بیت (ع)، مراسم تجلیل از خدمات علمی حجت الاسلام والمسلمین استاد سیدهادی خسروشاهی به خاطر مجاهدت‌ها و دفاع از حریم مکتب اهل بیت (ع) با حضور حجت الاسلام والمسلمین سیدحسن ابوترابی نماینده مجلس شورای اسلامی، حجت الاسلام حسین زاده مدیر عامل موسسه علامه عسکری و حجت الاسلام عبدالمجید حکیم الهی معاون روابط بین الملل جامعه المصطفی و العالمیه برگزار شد.

استاد خسروشاهی در سخنانی کوتاه با اشاره به خاطره ای از شهید محمد باقر صدر گفت: حدود نیم قرن پیش نجف مشرف شده بودم خدمت مرحوم شهید محمد باقر صدر و مراجع عظام رسیدم و در درس برخی شرکت کردم. شهید صدر به من گفتند که حتما با آقای عسکری که در کاظمین است ملاقات کنید و آیت الله شیخ محمد مهدی آصفی نامه ای نوشتند و مرا معرفی نمودند. به بغداد و کاظمین رفتم مرکز کلیه اصول الدین خدمت ایشان رسیدم. بحثهای بسیاری شد. ایشان یک تعهد شرعی از من گرفتند که مطلبی را که مطرح می کنند چه جواب مثبت باشد چه منفی با احدی در میان نگذارم. ایشان شرحی درباره حزب الدعوه الاسلامیه که با همکاری آیت الله صدر و آیت الله سید مهدی حکیم و چند تن از علمای دیگر بطور مخفی تأسیس شده بود شرحی را بیان

علامه عسکری چند ویژگی را در کنار هم داشت. اولاً یک محقق به معنای واقعی کلمه بود. پشتوانه علمی که ارائه می کرد صدها کتب و مقاله و مستندات علمی است که بر اتقان و استحکام نظریات او می افزاید. در کنار این کار تحقیقی یک نوآور و یک عالم فرزانه ای بود که از انوخته های علمی خویش برای تفکر نوین بهره می گرفت. اگر بگوییم شخصیتی چون شیخ انصاری مجدد فقه و اصول است شخصیتی مثل آیت الله علامه عسکری یک مجدد قدرتمند در عرصه تاریخ اسلام و نقد احادیث و نقد رجال در حوزه های فکری و اعتقادی است. او در کنار این ویژگی‌ها از یک ادب و متانت کامل برخوردار است. وقتی او احادیث نقش عایشه را مورد نقد قرار می دهد از او به عنوان عایشه ام المومنین با کمال ادب یاد می کند و در یک بحث کاملاً علمی کار بزرگی را که علمای بزرگ ما در نقد شخصیت ابوهیره انجام داده اند او در یک نقد علمی و تحقیقی به کلمات نقل شده از عائشه با عنوان ام المومنین انجام می دهد. و آنقدر این نقد مستحکم است که جایی برای پاسخ با آن باقی نمی گذارد و در اینجا است که علامه شهید مرتضی مطهری از او با تجلیل یاد می کند. در کنار

تاریخ اسلام را ورق زدند روایاتی که از عبدالله بن سبا نقل شده به نقد گذاشتند در حوزه دفاع برآمدند اما هیچ هوشمندی در تاریخ اسلام نبود که بتواند با مشاهده سیف بن عمر در کنار نام عبدالله بن سبا به این فرضیه علمی راه یابد و در مورد شخصیت او یک تحلیل دقیق علمی را ارائه دهد و ما را نه در موضع دفاع بلکه در موضع تهاجم به یاهو گویانی قرار دهد که تشیع را در این شخصیت جعلی تاریخ تفسیر می کردند. تاریخ اسلام را مورد نقد قرار داد کسانی علیه شیعه هجوم می کردند در موضع دفاع قرار داد که به یک بازنگری مجدد و نقد مستندات تاریخی خود بپردازند و با کلمات جعلی تاریخی به جنگ واقعیت های تاریخی نروند. وقتی با نقل احادیث از حدود ۱۵۰ صحابی جعلی به تحریف در تاریخ اسلام پرداختند یک شخصیتی مثل این عالم بزرگوار برخاست و نقل کنندگان این احادیث را مورد نقد قرار داد و تار و پود آنها را مورد در معرض نگاه محققین نهاد و بنیان دهها و صدها حدیث جعلی و انحرافی را از اساس فرو ریخت و کاری است بسیار بزرگ. همانطور که اشاره کردند بر اساس نقل دروغین مورخین فیلمی را بسازند و در معرض نگاه قرار بدهند که مستندات آن از نظر ادله قطعی و تاریخی فرو ریخته است کاری بزرگ است که آن شخصیت بزرگ جهان اسلام نمود. معالم المدرستین یک مقایسه تطبیقی علمی بین دو مکتب و تبیین شفاف معارف اهل بیت با نگاهی دور از کمترین تعصب، فارغ از کمترین نگاه غیر علمی کار این شخصیت بزرگ است. بعد از چاپ و تدوین این کتب بسیاری از دانشمندان اهل سنت به استحکام و اتقان آن اعتراف کردند. بعضی از علمای طراز اول سعودی به استحکام ادله آن اذعان نمودند. بسیاری علمایی که در دفاع از حق و مبانی تفکر شیعه قلم زده اند. اما کار این عالم بزرگوار با دیگران قابل مقایسه نیست. لذا شخصیتی مانند آیت الله مصباح از این عالم بزرگوار با بیانات بسیار بلندی یاد می کند که مناسب است به بعضی از فرازهای آن اشاره کنم. می فرمایند: اولاً شخصیت آیت الله مصباح یکی از مصادیق بارز کلام معصوم است. مرزبان تفکر و اندیشه اسلام می گوید: اگر ما بخواهیم برای این علما مصادیقی ذکر کنیم آیت الله علامه سید مرتضی عسکری یکی از برجسته ترین مصادیق آن است. مرزبان تفکر و اندیشه دینی. بعد می فرماید: این محقق بزرگوار اولاً از همه ظرفیت علمی خود استفاده کرد تا با تکیه بر قرآن و سخنان پیامبر و کلمات اهل بیت ع حق را تبیین کند و در یک گام بلندتری به تبیین اصول و مبانی تفکر اسلامی با استناد به قرآن کریم پرداخت تا راه را برای همه پیروان قرآن کریم بنمایاند. در کتاب عقاید الاسلام عن القرآن الکریم اصول و مبانی دینی را از نگاه قرآن با یک دقت نظر و مبانی استدلالی قوی روشن نمود. همین نگاه موجب می شود که مقام معظم رهبری طی یک نامه به این عالم بزرگوار با اشاره به خدمات ارزشمند او در دانشکده اصول الدین بغداد که این کتب ارزشمند ثمره تلاش علمی آن دانشکده بود از این عالم بزرگوار می خواهند که آن کار ارزشمند و تجربه مفید را در حوزه علمیه قم تکرار کنند و در ایران اسلامی اساس مجدد دانشکده اصول الدین را بنیان بدهند و خوشبختانه این عالم بزرگوار به این مهم نایل گردید و در طول عمر مبارک و پر ارزش خویش خدمات بزرگ و ارزشمندی را به جهان اسلام تقدیم داشت.

است که پخش می شود. گروه هایی را تشکیل داده ایم گروهی نقد فیلم می کند از منظر فقه، گروه کلام داریم از منظر کلام، گروه تاریخ از منظر تاریخ اسلام نقد می شود و همه نقد ها هر روز از طریق کانالهای ماهواره ای پخش می شود اما بدون هر گونه جنجال آفرینی، اما بیشترین دستمایه و منبع و مصدری که از آن استفاده می شود کتابهای مرحوم علامه عسکری است. بعضی از دوستان اظهار می کردند گویا مرحوم علامه عسکری چند ده سال پیش می دانسته است که ما امروز نیاز به یک چنین کتابی داریم که نوشته اند و امروز مصدر و منبعی برای دفاع از تشیع است. این فیلم کیان شیعه را هدف گرفته است اولین هدف آن تاکید بر این است که شیعه زائیده عبدالله بن سباست. مسائل دیگری که تاکید می کند تظہیر و پاک کردن بنی امیه است. اما امروزه خوشبختانه دست ما پر است و ما از این منابع و مصادر علامه عسکری استفاده می کنیم.

علامه کاری را انجام داد که در توان کس دیگر نبود

حجت الاسلام والمسلمین سید محمد حسن ابوترابی فرد نماینده مردم قزوین در مجلس شورای اسلامی سومین سخنران مراسم بود که با اشاره به روایتی از امام صادق (ع) و تعبیر علمای اسلام به مرزداران تشیع با استناد به کتاب «معجم الرجال» سخنان خود را این گونه آغاز کرد:

حضرت آیت الله العظمی خویی در جلد ۱۰ معجم الرجال وقتی می خواهند شخصیت عبدالله بن سبا را مورد بحث بگذارند می فرمایند علامه بزرگوار والباحث المحقق محقق تیزهوش و توانمند سید مرتضی عسکری در بررسی های عمیق و دقیق خود درباره این فرد جعلی تاریخ اسلام ما را از ورود در این عرصه بی نیاز کرده است. و اشاره می کنند به کتب ارزشمند این استاد بزرگ در تحلیل عبدالله بن سبا و ۱۵۰ صحابی جعلی تاریخ اسلام.

همین جایگاه ویژه و برجسته است که موجب



گردیده شخصیت علامه سید مرتضی عسکری یک شخصیت متفاوت و متمایزی در میان علمای اسلام و پاسداران از حوزه تفکر و اندیشه دینی باشد.

علامه شیخ محمد مهدی آصفی وقتی به تحلیل شخصیت این عالم فرزانه می پردازند اظهار می دارد اولاً گرامیداشت و بزرگداشت عالمه سید مرتضی عسکری بزرگداشت یک شخص نیست بزرگداشت منزلت علم و تحقیق و عالم است بعد می گوید در دفاع از تفکر شیعی علمای بزرگ گامهای بلندی را برداشته اند اما کاری که این عالم بزرگ و فرزانه جهان اسلام نمود کاری است استثنایی. می گوید بسیاری بودند که افتادن یک سبب را از درخت بر زمین مشاهده می کردند اما هرگز این فرضیه در ذهن آنان شکل نگرفت که چرا این سبب به سمت راست یا چپ یا بالا حرکت نکرد بر زمین و پایین فرود آمد. این سوال در ذهن یک اندیشمند تجسم یافت و توانست یک قاعده علمی بزرگ را کشف کند. می گوید بسیاری

امام علی(ع)، منشأ پیدایش سیر معنوی

گفتاری از علامه طباطبایی

[در نتیجه]وضع اکثریت قریب به اتفاق مسلمانان، معارف اعتقادی و عملی اسلام روز به روز رو به سقوط می‌رفت و طرق درک و پیشرفت این حقایق، یعنی طریق بحث آزاد و طریق سیر معنوی، رهسپار وادی فراموشی می‌شد؛ اما اقلیت شیعه که از همان روزهای نخستین به مخالفت با رویه اکثریت قد علم کرده بودند، چون نیروی کافی برای درهم شکستن وضع موجود نداشتند و اعاده وضع عمومی‌زمان رسول اکرم(ص) برایشان ممکن به نظر نمی‌رسید، ناگزیر از مقاومت کلی و مثبت دست برداشته، از راه دیگر دست به کار شدند و آن اینکه کوشیدند تا می‌توانند معارف اعتقادی و عملی اسلام را حفظ و ضبط نمایند و راههای مشروع آن را که همان راه بحث آزاد و سیر معنوی باشد، زنده نگه دارند.

شیعیان طبق وصیتی که به موجب آن، رسول اکرم(ص) اهل بیت کرام خود را حافظ و مبین معارف اسلامی و پیشوای معنوی مسلمین معرفی کرده بودند، به ائمه اهل بیت روی آوردند و با نهایت ترس و لرزی که داشتند، از هر راه ممکن به تحصیل و ضبط معارف دینی پرداختند. امام اول شیعه در بیست و پنج سال دوران گوشه گیری و پنج سال زمان خلافت پر محنت خود، با لهجه جذاب و بلاغت خارق العاده‌اش که با تصدیق دوست و دشمن، غیر قابل معارضه و بی‌رقیب بود، به نشر معارف و احکام اسلام پرداخت و درهای بهترین بحثها را به روی مردم باز نمود و عده‌ای از مردان خدا را از صحابه و تابعین، مانند سلمان و کمیل نخعی و اویس قرنی و رشید هجری و میثم کوفی و غیر آنها پرورش داد و البته نمی‌توان گفت که اینان با روش معنوی که داشتند و ذخایر معارف علومی که حمل کردند، در جامعه اسلامی هیچ گونه تأثیری نداشتند.

پس از شهادت پیشوای نخستین شیعه، دوران سلطنت اموی با قیافه هولناک و مستبدانه خود، شروع شد و معاویه و عمالش و پس از آن سایر پادشاهان اموی، با آخرین نیروی خود، علیه شیعه به مبارزه پرداختند و هر جا فردی از شیعه را سراغ می‌گرفتند، حتی کسانی را که به تشیع متهم می‌شدند، از میان می‌بردند و هر رگ و ریشه‌ای که داشت، می‌زدند و روزه‌روز کار و خیم‌تر و فشار شدیدتر می‌شد.

با این همه در این مدت، پیشوای دوم و سوم و چهارم شیعه در زنده کردن و زنده نگه داشتن حق، فرو گذار نمی‌کردند و در چنین محیطی که پر از شدت و محنت بود، در زیر سایبان شمشیر و تازیانه و زنجیر، کار می‌کردند و حقیقت تشیع روز به روز وسعت پیدا کرده، روح حق توسعه می‌یافت.

بهترین گواه بر این مطلب، این است که بلافاصله پس از این دوره، در زمان پیشوای پنجم و ششم شیعه که سلطنت اموی ضعیف شده و رو به انهدام نهاد و هنوز سلطنت عباسی نضج نگرفته بود، در زمان بسیار کمی، دستی که گلوی شیعه را فشار می‌داد، قدری سست شد و شیعیان راه نفسی پیدا کردند، رجال و علما و محدثان، مانند سیل خروشان به سوی این دو پیشوای بزرگوار سرازیر شدند و به اخذ علوم معارف اسلامی پرداختند. این جمعیت عظیم، غیرشیعی نبودند که اول به دست امام، شیعه شده باشند و بعد از آن به تعلیم علوم و معارف پردازند، بلکه شیعیانی بودند که در پس پردهٔ اختفا و تقید، زندگی می‌کردند و با کوچکترین فرصتی، پرده را کنار زده و بیرون آمدند.

البته این روح توسعه یافته، در کالبد اکثریت جامعه، خالی از نفوذ نبود و در آینه افهام آنها حق و حقیقت را کم و بیش جلوه می‌داد و نیازمندی فطرت انسانی را به دین فطری و بحث آزاد و احتیاج انسان متدین با ذوق و محبت را به سیر معنوی، به گوش هوش همگانی می‌رسانید. از سوی دیگر اوضاع

تاریک جامعه که روز به روز تاریک تر می‌شد و همچنین ستمگری فزون از حد و بی‌بند و باری عمال حکومت که در تمام مدت حکمرانی بنی‌امیه ادامه داشت، این معنی را پیش مردم مسجل کرد که اساس دین از جانب مقام خلافت، هیچ‌گونه مصونیت ندارد و نمی‌شود زمان احکام و قوانین دینی به دست مقام خلافت سپرده شود و اجرای آن منوط به اجتهاد و صوابدید خلیفه وقت باشد. و بالاخره بر عموم روشن شده بود که قدرت کرسی خلافت، به نفع خود کار می‌کند، نه به نفع مردم و جامعه اسلامی. در نتیجه این معنی مسلم شد که احکام و قوانین دینی قابل تغییر نیست و برای همیشه زنده است و اجتهاد در مقابل نص معنی ندارد.

عامه مردم صرفاً به خاطر ارادتی که به مقام صحابه داشتند و از راه تعبد به روایاتی که از مقام ایشان تمجید می‌کرد و اجتهاد آنها را تصدیق می‌نمود، از هرگونه اعتراض به خلفای آغازین خودداری می‌نمودند و با اینکه خلافت آنها به طور آشکار روی اساس نظریه سابق استوار بود و سیرت آنها به همین معنی گواهی می‌داد، مداخله و تصرفات آنها را در احکام و قوانین اسلامی، توجیه نموده، به محل های صحیحی حمل می‌کردند. همچنین گاهی انصاف داده، به بحثهای آزاد می‌پرداختند و به معنویات اسلام نیز منتقل می‌شدند.

ظهور روش معنوی و سیر و سلوک

نفوذ و سرایت تعلیمات معنوی اهل بیت علیهم‌السلام که در رأس آنها بیانات علمی و تربیت عملی پیشوای اول شیعه، امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب(ع) قرار گرفته بود، با مساعدتی که گرفتاری‌های عمومی طبعاًنسبت به این مقصد داشت، به علاوه اینکه پیوسته جمعی از مردان خدا که تربیت‌یافتگان این مکتب بودند و در حال تقید و تستر زندگی می‌کردند، در میان مردم بودند و در موارد مناسب، از حق و حقیقت گوشه‌هایی می‌زدند، مجموعه این عوامل موجب شد که عده‌ای در قرن دوم هجری از همان اکثریت، به مجاهدت‌های باطنی و تصفیه نفس تمایل پیدا کردند. این عده در خط سیر و سلوک افتادند و جمعی دیگر از عامه مردم، به ارادت آنها برخاستند و با اینکه در همان اوایل ظهور، تا مدتی مبتلا به کشمکش‌های شدید بودند و در این راه هرگونه فشار از قبیل قتل و حبس و شکنجه و تبعید را متحمل می‌شدند، ولی بالاخره از مقاومت دست برنداشته، پس از دو سه قرن، در تمام بلاد اسلامی ریشه دوانیده و جمعیت‌های انبوهی را به وجود آوردند.

یکی از بهترین شواهدی که دلالت دارد بر اینکه ظهور این طایفه، از تعلیم و تربیت ائمه شیعه سرچشمه می‌گیرد، این است که همه این طوایف (که در حدود بیست و پنج سلسله کلی می‌باشند و هر سلسله منشعب به سلسله‌های فرعی متعدد دیگری است)، به استثنای یک طایفه، سلسله طریقت و ارشاد خود را به پیشوای اول شیعه، منتسب می‌سازند. دلیلی ندارد که ما این نسبت را تکذیب نموده و به واسطه مفاسد و معایبی که در میان این طوایف شیوع پیدا کرده، اصل نسبت و استناد را انکار کنیم یا حمل بر دکان‌داری نماییم؛ زیرا اولاً سرایت فساد و شیوع آن در میان طایفه‌ای از طوایف مذهبی، دلیل بطلان اصل انتساب آنها نیست و اگر بنا شود که شیوع فساد در میان طایفه‌ای، دلیل بطلان اصول اولی آنان باشد، باید خط بطلان به دور همه مذاهب و ادیان کشید و همه طبقات گوناگون مذهبی را محکوم به بطلان نمود و حمل به دکان داری و عوام‌فریبی کرد!

ثانیاً پیدایش اولی این سلسله‌ها در میان اکثریت سنی شروع شده و قرن‌های متوالی در همان محیط

به پیشرفت خود ادامه داده است. در همه این مدت، اعتقاد اکثریت قریب به اتفاق اهل سنت، در حق سه خلیفه اولی، بیشتر از اعتقادی بود که به خلیفه چهارم و پیشوای اول شیعه داشتند؛ اعتقاداً آنها را افضل می‌دانستند و عملاً نیز اخلاص و ارادت بیشتری به آنها داشتند.

در همه این مدت، مقام خلافت و کارگردان جامعه، اعتقاد خوشی در حق اهل بیت علیهم‌السلام نداشتند و آنچه فشار و شکنجه بود، نسبت به دوستان و منتسبان آنها روا می‌دیدند و دوستی اهل بیت، گناهی نابخشودنی به شمار می‌رفت. اگر مقصود این طوایف از انتساب به آن حضرت، مجرد ترویج طریقه آنها و جلب قلوب اولیای امور و عامه مردم بود، هیچ دلیلی نداشت که خلفای مورد علاقه و اخلاص دولت و ملت و به ویژه خلیفه اول و دوم را رها کرده، به دامن پیشوای اول شیعه بچسبند، یا مثلاً به امام ششم یا هشتم انتساب جویند.

پس بهترین است که متعرض اصل انتساب نشده، در بررسی دیگری به کنجکاوی پردازیم و آن این است که جمع معهود پیشروان این طوایف، از اکثریت تسنن بودند و در محیط تسنن زندگی می‌کردند و روش و طریقه‌ای جز روش و طریقه عمومی جامعه که همان راه تسنن بود، تصور نمی‌کردند. آنان وقتی که برای اولین بار به مکتب معنوی اهل بیت اتصال پیدا کردند و از نورانیت امام اول الهام یافتند، چون هرگز باور نمی‌کردند و حتی به ذهنشان نیز خطور نمی‌کرد که پیشوای معنویت که خود یکی از خلفای اربعه و جانشین گذشتگان خود می‌باشد، در معارف اعتقادی و عملی اسلام نظری ماورای نظر دیگران داشته باشد، همان موجودی اعتقاد و عمل تسنن را زمینه قرار داده، با همان مواد اعتقادی و عملی که در دست داشتند، شروع به کار نمودند و با همان زاد و راحله عمومی، راه سیر و سلوک را در پیش گرفتند.

این رویه از دو جهت در نتایج سیر و سلوک و محصول مجاهدات معنوی آنان نقایصی را به وجود آورد: اولاً نقطه‌های تاریکی که در متن معارف اعتقادی و عملی داشتند، حجاب و مانع گردید از اینکه سلسله حقایق پاک برای آنها مکشوف شده، خودنمایی کند و در نتیجه محصول کارشان به صورت مجموعه‌ای درآمد که خالی از تضاد و تناقض نمی‌باشد. کسی که آشنایی کامل به کتب علمی این طوایف دارد، اگر با نظر دقت به این کتب مراجعه نماید، صدق گفتار ما را به رأی العین مشاهده خواهد کرد.

وی یک رشته معارف خاصه تشیع را که در غیر کلام ائمه اهل بیت علیهم‌السلام نشانی از آنها نیست، در این کتب مشاهده خواهد کرد و نیز به مطالبی بر خواهد خورد که هرگز با معارف نام برده، قابل التیام نیست. وی خواهد دید که روح تشیع در مطالب عرفانی که در این کتابها هست، دیده شده است؛ ولی مانند روحی که در یک پیکر آفت دیده جای گزیند و نتواند برخی از کمالات درونی خود را آن‌طور که به شاید و باید از آن ظهور بدهد یا مانند آئینه‌ای که به واسطه نقیصه صنعتی، گره‌ها و ناهمواری‌هایی در سطحش پیدا شود، چنین آئینه‌ای صورت مرئی را نشان می‌دهد؛ ولی مطابقت کامل را تأمین نمی‌کند.

ثانیاً نظر به اینکه روش بحث و کنجکاوی آنها در معارف اعتقادی و عملی کتاب و سنت، همان روش عمومی بود و در مکتب علمی ائمه اهل بیت علیهم‌السلام تربیت نیافته بودند، نتوانستند طریقه معرفت نفس و تصفیه باطن را از بیانات شرع استفاده نموده و دستورات کافی راه را از کتاب و سنت دریافت دارند؛ لذا به حسب اقتضای حاجت، در مراحل مختلف سیر و سلوک و منازل مختلفه سالکان، دستورات گوناگونی از مشایخ طریقت

صادر شده و رویه‌هایی اخذ می‌شد که سابقه‌ای در میان دستورات شرع اسلام نداشت.

کم‌کم این عقیده مسلم گردید که طریقه معرفت نفس در عین اینکه راهی است برای معرفت حق - عز اسمه - و نیل به کمال معنوی، و به خودی خود، پسندیده خدا و رسول، مع ذلک بیان این راه از شرع مقدس اسلام نرسیده است؛ در دنبال این عقیده، هر یک از مشایخ طریقت، برای تربیت و تکمیل مریدان خود، دستوراتی تهیه کرده و به مورد اجرا گذاشتند و انشعابات بی‌شماری هم در سلسله‌ها پیدا شد.

در نتیجه همین عقیده و عمل، روز به روز طریقت از شریعت فاصله گرفت تا آنجا که طریقت و شریعت، درست در دو نقطه مقابل استقرار یافتند و نغمه سقوط تکالیف از بعضی افراد بلند شد و عبادت‌های پاک دینی به شاهدبازی و حلقه‌های نی و دف و ترانه‌های مهیج و رقص و وجد تبدیل گردید و طبعاً جمعی از سلاطین و اولیای دولت و توانگران و اهل نعمت که فطرتاً به معنویات علاقه‌مند بودند و از طرف دیگر نمی‌توانستند از لذایذ مادی دل بکنند، سرسپرده این طوایف شده، هرگونه احترام و مساعدت ممکن را نسبت به مشایخ قوم بذل می‌کردند که این خود، یکی از بذره‌های فساد بود که در میان جماعت نشو و نما می‌کرد. بالاخره عرفان به معنی حقیقی خود (خداشناسی یا معادشناسی) از میان قوم رخت بر بسته، به جای آن جز گدایی و پر یوزه و افیون و چرس و بنگ و غزلخوانی، چیزی نماند.

سرایت این سلیقه به شیعه

اجمالی که مربوط به آغاز پیدایش و سرانجام طریقه عرفان گفته شد، برای کسی که محققانه و با کمال بی‌طرفی به کتب و رسائلی که در سیر و سلوک تألیف یافته و همچنین تراجم و تذکره‌هایی مانند تذکره شیخ عطار و نفحات و رشحات و طبقات الاخیار و طرائق و نظایر آنها که متضمن جهات تاریخی طریقت و رجال طریقت است، مراجعه نماید، درنهایت روشنی است. سخن ما اگرچه در سیری بود که طریقت عرفان در میان اکثریت اهل سنت نموده بود و جهات نقص و فساد را توصیف می‌کردیم که قوم گرفتار آن شده بودند، ولی نمی‌توان انکار کرد که اقلیت شیعه نیز به همین درد مبتلا شده است و اتحاد محیط، با تأثیر قهری و جبری خود، همین فساد را به داخل جمعیت اهل طریقت از شیعه نیز انعکاس داده است، و همان‌طور که روش عمومی اجتماعی اکثریت که از سیرت جاریه زمان رسول اکرم(ص) منحرف شده بودند، شیعه را تحت الشعاع قرار داد و نگذاشت سیرت نبی اکرم(ص) را پس از استقلال، در میان جمعیت متشکل خود اجرا و عملی سازد، همچنین سلیقه‌های علمی که شیعه از ائمه اهل بیت علیهم‌السلام اخذ کرده بود، با آن همه صافی و روانی، در کمترین زمان تحت تأثیر سلیقه‌های علمی جماعت قرار داده شد و رنگ‌های نامطبوعی از آنها گرفت. همچنین طریقه عرفان نیز به رنگ طریقت جماعت در آمد و تقریباً به همان سرنوشت که توصیف کردیم، دچار شد...

فسادها و اختلالات در روش و اعمال طایفه‌ای که از یک مشرب و مسلک عمومی کلی منشعب شده‌اند، دلالت بر فساد و بطلان اصول اولی آن طایفه ندارد و به همین سبب، بحث و کنجکاوی از چگونگی اصول اولی آنها را نباید در روش و اعمال فرعی آنها انجام داد، بلکه باید به سراغ مواد اولی اصول آنها رفت. ازاین رو در تشخیص رابطه شریعت و طریقت و لزوم و عدم لزوم موافقت میان آنها، از نظریه‌های خصوصی سلسله‌های مختلف عرفان چشم‌پوشی نمود، به نظر کلی خود اسلام که سرچشمه خدا شناسی می‌باشد (به هر معنی که فرض شود)مراجعه می‌نماییم.

یادی از آیت الله حکیم جهانگیر خان قشقایی

مصلح اجتماعی حوزه های علمیه

جلیل القدر بیندازیم.

دوران کودکی و جوانی مرحوم قشقایی مصادف با بحران های سیاسی و فرهنگی قابل تأملی است که هر یک به تنهایی تا مدت ها جامعه ایران را تحت تأثیر شگرف و جدی خود قرار داده اند. در صدر این وقایع می توان از انعقاد قرارداد ترکمنچای که منجر به از دست رفتن بخش های مهم از سرزمین ایران شد یاد کرد. عواقب این واقعه نه تنها ساختار اجتماعی جامعه آن روز ایران را به شدت متأثر کرد، بلکه پیامدهایی سیاسی نیز در پی داشت که مهم ترین آن بروز چالش و طرح سؤالاتی در زمینه کارآمدی سلطنت بود.

طی سال های ۱۲۵۳ تا ۱۲۶۳ دو فتنه بزرگ فرهنگی ایران را مورد هجوم قرار می دهد. از یک سو فتنه باطنیه آقاخان و از سوی دیگر فتنه محمدعلی باب که خصوصاً مورد اخیر هنجارهای دینی و فرهنگی جامعه را تا ده ها سال به صورت جدی تهدید کرد. این در حالی است که در اواخر دوره نوجوانی این حکیم فرزانه با قتل مصلح بزرگ اجتماعی ایران یعنی امیرکبیر رو به رو می شویم.

اگر بپذیریم مقطع زمانی ورود مرحوم حکیم قشقایی به حوزه علم آموزی و حکمت اندوزی سال ۱۲۸۳ هـ - ق است، در خواهیم یافت که در طی این دوران که بخش قابل توجهی از آن در پایتخت و در متن تحولات سیاسی می گذرد، حکیم با دوره ای رو به رو است که می توان آن را دوره اعطای امتیازات متعدد به بیگانگان و در واقع فروش ایران جهت اموری چون سفرهای ناصرالدین شاه به فرنگ دانست.

واگذاری امتیازاتی نظیر شیلات به لیانازوف روسی و امتیاز ننگین رویتر مثال هایی ملموس برای درک این دوران تاریخی به شمار می روند. این در حالی است که پس از این دوره ۱۰ ساله روند اعطای امتیازات حالتی شتابنده به خود می گیرد و گستره وسیع تری را شامل می شود. در عین حال به دنبال این اوضاع که کارکردها و ساختارهای اقتصادی، سیاسی و دینی جامعه آن روز را به شدت متأثر می سازد شاهد دوره ای جدید هستیم که می توان از آن به دوره اعتراضات و قیام های مردمی به رهبری علما تعبیر کرد. قیام مردم علیه امتیاز رویتر به رهبری حضرات آیات عظام حاج ملاعلی کنی و سید صالح عرب از یک سو و قیام های مردمی شهرهای تبریز، اصفهان و مشهد در اعتراض به قرارداد ننگین رژیم

یک دهان خواهم به پهنای فلک

تا بگویم وصف آن رشک ملک

یک زمان بگذارای همزه ملال

تا بگویم شرح حالی زان جمال

من کجا در وصف آرم حال او

هر دو عالم چیست؟ عکس خال او

تا که من از خال خویش دم زنم

نطق می خواهد که بشکافد تنم کنکاشی اجمالی در سیره عالمان جلیل القدر و عارفان و حکیمان بزرگ مسلمان، پژوهندگان را با این نکته دقیق مواجه می سازد که به غیر از مجاهدت علمی، تلاش چشمگیر و جدیت وافر در امر تحصیل علوم و کسب معارف، عاملی معنوی در نیل این بزرگان به سر منزل لطائف حکمی، دقایق فقهی و معارف الهی نقشی اساسی داشته است. بسیاری از فرزنانگان اهتمام به تهجد، عبادت و انس با قرآن کریم را رمز توفیقات خود بر شمرده اند. در واقع اهتمام به این امور حکمایی فرزانه و فیلسوفانی عالی مقام چونان جناب صدرالمتألهین شیرازی و میرداماد، فقها و اصولیین برجسته ای نظیر مرحوم آخوند خراسانی، عارفانی واصل همچون مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی و امام خمینی(ره) و مفسرین گرانقدری مانند علامه طباطبایی را به قله های علم رهنمون کرده است. با این حال عامل معنوی دیگری که سرنوشت بسیاری از عارفان، حکیمان و عالمان را رقم زده و آنان را به سرچشمه معارف دینی وصل کرده، پذیرش امر به معروف و نهی از منکر است. بزرگانی چون فضیل عیاض و ابراهیم ادهم مرهون این امر هستند و در عین حال سلسله عارفان جلیل القدری که به مرحوم عارف کامل جمال العارفرین حضرت آیت الله سید علی شوشتری(قده) می رسند، نیز همگی وامدار این امر هستند.

در این بین می توان به عارف واصل، فقیه گرانقدر و حکیم نام آور حجت الحق حضرت آیت الله جهانگیرخان قشقایی به عنوان یکی از بزرگانی که حیات علمی و معنوی خود را رهین پذیرش فریضه گرانقدر امر به معروف و نهی از منکر قرار داده است، اشاره کرد.

در واقع نقطه تحول اساسی جناب خان را می توان مربوط به زمانی دانست که در نهایت تواضع و اشتیاق پذیرای نصیحت پیری روشن ضمیر (به نقل معروف همای شیرازی) می شود و بارها کردن تار و موسیقی به اقیانوس معارف دینی می پیوندد.

نگاهی اجمالی به اوضاع و احوال اجتماعی دوران حیات این حکیم فرزانه نشان از اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی متزلزلی دارد که هم از حیث ساختاری و هم از جهات کارکردی با اختلالات و نابسانمانی های عدیده ای روبه رو است.

مرحوم حکیم جهانگیرخان قشقایی در دوره شش پادشاه سلسله قاجاریه، یکی از پرفراز و نشیب ترین دوره های تاریخی ایران را درک می کند و طی این دوران اجتماعی که از ساختارهای بسیار شکننده مختص دوره های گذار و عدم تثبیت برخوردار است، در قالب مصلحی دلسوز از یکسو با گسترش خردورزی، تفکر و نوآوری در حوزه اندیشه دینی، امر اصلاح اجتماعی را پی می گیرد و از سوی دیگر با تربیت شاگردانی برجسته که بسیاری از آنان به عنوان مصلحان بزرگ اجتماعی در حوزه نظر و عمل شهرت فراوانی دارند بنای اصلاح نابسانمانی های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دوره خویش و دوره های بعدی را پایه گذاری می کند. برای روشن تر شدن هرچه بیشتر این امر ضروری است نیم نگاهی به اوضاع و احوال و ساختارهای آن روز جامعه ایران در طول حیات پربرتک این حکیم نام آور و فقیه

در سال ۱۳۰۹ به رهبری میرزای شیرازی شرایطی را فراهم می سازد تا انقلاب مشروطه به عنوان یکی از تحولات بسیار مهم جامعه ایران رقم بخورد.

درواقع دوران پیش از شروع به تحصیل و تدریس جناب حکیم قشقایی را می توان مصادف با تهاجم های گسترده به تمامیت ارضی و ارکان فرهنگی و دینی مردم دانست. دوره دوم زندگی آن بزرگوار با واگذاری امتیازات گوناگون استعماری همراه است و دوره سوم زندگی آن جناب را می توان همزمان با تغییرات عمیق و خیزش های دینی مصادف دانست.

نکته بسیار مهم آن است که در کنار این تحولات سیاسی و اجتماعی سریع که به تغییر زیرساخت های اجتماعی و سیاسی جامعه ایران در آن دوره انجامید (و بسط و شرح آن در حوصله این متن نمی گنجد) تحولات فرهنگی جدیدی نیز نمودار شد.

این دوره های سه گانه را می توان دوران رشد و گسترش چشمگیر جریان شبه روشنفکری معارض با دین در جامعه دانست. نگاهی کوتاه به ادبیات روشنفکری بیمار آن دوره به خوبی مؤیداتی را بر این ادعا آشکار می کند.

از جمله این عناصر می توان به میرزا ملکم خان اشاره کرد. ملکم به تبعیت از پدرش برای دین منشأ اجتماعی و نه الهی قائل است؛ و دین را تنها به عنوان یکی از عوامل ساخته دست بشر برای رفع نیازهای اجتماعی می داند. بازتاب این طرز تفکر را می توان در کتبی نظیر شب های استانبول مشاهده کرد. حامد الگار درباره دیگر روشنفکرانمای این دوره یعنی آخوندزاده می نویسد:

”به نظر آخوندزاده موهوم پرستی و خرافات با مذهب یکسان و پیوسته است و خط مشی زندگی او با خصومت به دین اسلام آشکارتر و روشن تر از آنچه ملکم بدان تظاهر می کرد، است.“

جریان شبه روشنفکری به شدت غرب زده این دوره با سه حربه: ۱) تحقیر مردم ایران و مسلمانان در کنار تمجید و تقدیس غرب و غربیان. ۲) طرح شعار عقلگرایی، قانون، منطق، آزادی و اندیشه و در نهایت تحریف دین و ارائه با حربه اخیر می نویسد: ”پس نقشه ترقی ایران را در لباسی از مذهب پوشاندیم تا مقبول همگان افتد.“ وی همچنین می گوید: ”بهرتر آن است که منظور و مقصود خود را به عنوان سخن و کلام غیر دینی مطرح نکنیم و مدعی شویم که این

کتاب حاکمان شیعه در بستر تاریخ منتشر شد

پیروی آن امامان معصوم که روزگاران زمام حکمرانی را هر چند در محدوده ای اندک به دست آورده اند. امید که نظام اسلامی که در کشور ما پا

گرفته و ریشه در معارف ناب اسلامی و شیعی دارد، بتواند برترین جایگزین بعد از آن پیشوایان معصوم و مرضی آن بزرگواران باشد و طلیعه تابناکی برای دمیدن صبح دولت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله باشد.

رشته نوشته های این کتاب، مجموع چند اثر مستقل است که موضوع آن ها گزارش واقعیت های تاریخی حکومت زمامداران شیعه بوده است که اکنون در مجموعه ای منسجم و با عنوان حاکمان شیعه ارائه شده است.

عناوین این کتاب شامل هفت بخش است، ”مختار ثقفی رایت امید“، ”علویان طبرستان (پرچمداران امر به معروف)“، ”حمدانیان (اولین مدافعان قدس)“، ”آل بویه (حامیان فرهنگی تشیع)“، ”سربداران“، ”صفویان (نماد اقتدار ایران“ و ”تیپوسلطان (سفیر رهایی) می شود.

مطالب سابقاً در صدر اسلام توسط پیامبر اکرم و قرآن کریم گفته شده بود.“

ملکم همچنین در نامه ای به آخوندزاده می نویسد: ”تو به دین کاری نداشته باش و گر نه به مقصودت نمی رسی. چرا به دین ایشان می چسبی. تو دین ایشان را کنار بگذار و درباره بطلان آن حرفی زن.“

در واقع جریان شبه روشنفکری در این دوره با مکر و حيله در قالب اندیشه ورزی و عقل گرایی به تحریف دین پرداخته و در لباس مصلحی دلسوز در جبهه ای گسترده به تهاجم علیه اعتقادات اسلامی می پردازد. در واقع حکیم قشقایی از یک سو با جریان حاکمان وطن فروشی رو به رو است که درد دین ندارند و به دنبال تشفی امیال خود ولو به قیمت استعمار ایران و نابودی اسلام هستند و اساساً ساختار سیاسی ناکارآمدی را حاکم بر مسلمین می بیند و از سوی دیگر خطر هجوم منافقانه شبه روشنفکرانی را که کمر همت به هدم و نابودی دین بسته اند حس و لمس می کند.

وی در قالب مصلحی واقعی با دو شیوه، مبارزه ای فراگیر را در برابر این دو جبهه در پیش می گیرد و به عنوان یکی از فرماندهان جبهه اسلام به پاسداری از دین می پردازد. در نخستین محور می توان به نقش بارز مرحوم جهانگیرخان قشقایی در امر تربیت شاگردانی اشاره کرد که هر یک به نوبه خود در برابر انحرافات قد علم کردند و ضمن ورود به عرصه سیاست مرحله آغازین اجرایی حکومت اسلامی و فقه سیاسی شیعه را پدید آوردند.

از جمله این شاگردان می توان به جناب میرزا محمد باقر اصطهبانی، استاد مرحوم آقا شیخ محمد اصفهانی اشاره کرد که در وقایع مشروطیت به شهادت می رسد.

در عین حال حکیم آقامیرزا محمد طاهر تنکابنی نیز از دیگر شاگردان جناب جهانگیرخان قشقایی محسوب می شود که علاوه بر پذیرش نمایندگی علمای تهران در دو دوره مجلس شورای ملی به واسطه مبارزات چشمگیرش ۱۸ سال از عمر خود را در تبعید و زندان سپری کرد. شهید سید حسن مدرس نیز که آوازه مخالفت با استبداد و ظلم ستیزی او برای همگان آشناست، از شاگردان جناب قشقایی به شمار می رود. این در حالی است که منش سیاسی مرحوم آیت الله بروجرودی در برابر حکومت پهلوی نیز جلوه ای از این حوزه تدریس به شمار می رود و در عین حال می توان تربیت بزرگانی چون مرحوم آیت الله شاه آبادی و امام راحل(ره) را نیز در این راستا ارزیابی کرد.

در واقع یک جلوه از حرکت مصلحانه حکیم قشقایی مربوط به تربیت شاگردانی است که هر یک به تنهایی در برابر اوضاع و احوال نابسان اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ایران قد علم کردند و به عنوان مصلحانی بزرگ به اصلاح انحرافات و رفع و دفع شبهات پرداختند و در عین حال به مرور، ربانی نظری فقه سیاسی شیعه را که تا آن زمان حتی در کتاب ها نیز با مشکل یافت می شد در عرصه عمل پیاده و طرح حکومت اسلامی را پایه ریزی کردند.

دومین حرکت اصلاح گرانه مرحوم جهانگیرخان قشقایی متوجه حوزه نظری است. بی مناسبت نیست به عنوان درآمد این بحث موضع حوزه های علمی آن دوران را در برابر جریان خردورزی، حکمت و فلسفه مورد توجه قرار دهیم اگر بپذیریم در حوزه اصفهان و مکتب تهران آن روز تنها افراد بسیار معدودی به تحصیل و تدریس فلسفه، حکمت و اساساً علوم عقلی مشغول بودند، در می یابیم که جریان خردورزی در آن زمان با چالشی جدی رو به رو بود.

گزارشی از مراسم اولین سالگرد ارتحال علامه فضل الله در بیروت



بسم الله الرحمن الرحيم
الذین یبلغون رسالات الله وكفی بالله حسیباً
یخشون أحدألا الله وكفی بالله حسیباً
مراسم اولین سالگرد ارتحال علامه سید محمد حسین فضل الله، در تیرماه ۱۳۹۰ در پایتخت لبنان، بیروت، مسجد و مؤسسه خیریه الرحمان برگزار شد. بنا به دعوت ستاد برگزاری سالگرد علامه فضل الله حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای موسوی، قائم مقام مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و جناب آقای دکتر تبرائیان معاون بین الملل و دبیر هیئت علمی مجمع التقرب در این مراسم حضور یافتند.

در این مراسم آقای نبیه بری، رئیس مجلس لبنان، چند تن از وزراء، برخی از نخست وزیران سابق، شماری از نمایندگان مجلس و فرماندهان نظامی، علمای طوایف مختلف و مقامات، اندیشمندان، شخصیت های سیاسی، دینی و اجتماعی از دیگر کشورهای اسلامی حضور داشتند. حجت الاسلام "سید علی فضل الله" خطیب جمعه بیروت و فرزند این مرجع تقلید فقید در ابتدای این مراسم بیان داشت: ایشان پدر همه ما بود. او از بین ما رفت در حالی که توشه ای علمی، میراثی معنوی تمام ناشدنی، و موجی از عاطفه و مهربانی برای ما بر جای گذاشته است. علی رغم رحلت علامه فضل الله، ما حضور او را در بین خودمان احساس می کنیم. ایشان یک روش فکری را پایه ریزی کرد و دائماً می گفت که همه با هم باید فکر کنیم که چگونه مقاومت و ایستادگی کنیم. اینک نیز ما در راستای تقویت ارزش های اخلاقی و برطرف کردن مشکلات بشری حاضریم در گفت و گوهای بین مسیحی ها و مسلمانان همکاری و مشارکت داشته باشیم و وحدت ملی را نیز حفظ و تقویت کنیم.

وی بر لزوم تمسک به مقاومت تأکید کرد و افزود: همگان باید به عناصر مقاومت فکری و اخلاقی تمسک جویند و از مقاومت مجاهدانه در برابر رژیم اشغالگر صهیونیستی حمایت کنند. وی به عقل گرایی علامه فقید هم اشاره کرد و گفت: آن مرحوم جمله ای معروف داشت و می گفت: اندیشه خود را فدای احساساتان نکنید؛ و به خاطر احساسات، فکرتان را کنار نزنید؛ زیرا عقل شما مهم ترین سرمایه شماست. علامه فضل الله می گفت ما در مقابل استکبار هیچ گونه تسامحی نمی کنیم، هرگز از فلسطین روی بر نمی گردانیم و بلکه در کنار رزمندگان فلسطینی هستیم. لذا ما هم با همین رویکرد به راهمان ادامه می دهیم و برای ساختن یک پایگاه قدرتمند همه جانبه به مسیرمان ادامه می دهیم و به همین خاطر تمام نیرو و عناصر مقاومت اعم از عنصر اخلاقی و عنصر فکری را در کنار عنصر جهادی در مقابله با دشمنی که جز زور چیز دیگری نمی فهمد به کار می گیریم.

شیخ "مالک الشعار" مفتی طرابلس و شمال لبنان نیز در سخنانی با اشاره به نقش تاریخی علامه فضل الله در وحدت اسلامی، خاطرنشان کرد که در سه دهه اخیر امام فقیه علامه فضل الله میراث گرانبهایی در ابداع فقه

و فتوی بر اساس زمان حاضر ارائه داد و اجتهادات ایشان در توسعه زندگی انسانی تأثیر شگرفی داشت. آسامه حمدان دیگر سخنران این مراسم که به نمایندگی از "خالد مشعل" رئیس دفتر سیاسی حماس سخن می راند، به ابعاد شخصیتی علامه پرداخت و خاطرنشان کرد: وی در عین بزرگواری بسیار متواضع و وحدت اسلامی اولویت اساسی نزد علامه فضل الله بود که تنها جنبه شعاری نداشت بلکه در زندگانی خویش به کار می بست.

دکتر "محمد حسن تبرائیان" معاون بین الملل و دبیر هیئت علمی مجمع تقریب نیز که به نمایندگی از آیت الله تسخیری دبیرکل مجمع برای ارائه بیانیه مجمع و ایراد سخنرانی بدین مناسبت حضور یافته بود، در سخنانی تصریح نمود: مرد علم و جهاد و سید منبر و محراب و پیشگام بیداری و تقریب، معلم فقه و تفسیر و فتح کننده افق های معرفت و گفتگو، در راستای محبت رسول خدا و اهل بیتش گام نهاد و امروز شاهد محقق شدن آرزوهای دیرینه او در زمینه بیداری اسلامی هستیم.

وی افزود: در اولین سالگرد رحلت ایشان، این شخصیت بزرگوار را گرمای می داریم و تأکید می کنیم یاد او از ذهنمان و از آسمان فکر و فقاقت و انقلاب پاک نخواهد شد. علامه

فضل الله زندگی خود را با اخلاص برای برافراشتن کلمه حق و در راستای تحقق وحدت اسلامی و تقریب مذاهب اسلامی وقف کرد. "علی الادیب" نیز که به نمایندگی از "ثوری مالکی" نخست وزیر عراق سخنان وی را ایراد کرد، بیان داشت: سید فضل الله به حق مرجع دینی روشنفکر، رهبری مردمی، اندیشمندی مبدع و سیاستمداری استاد بود که به خوبی شرایط را درک می کرد و در رفع ضرر و زیان از امت اسلامی تلاش کرد.

وی افزود: علامه فضل الله چهره ای حقیقی از اسلام ارائه داد و بر دوری از عقب ماندگی، افراطی گری، غلو و تعصب تأکید کرد.

حجت الاسلام والمسلمین شیخ نعیم قاسم قائم مقام دبیر کل حزب الله لبنان نیز در سخنانی اظهار داشت: یک سال از عروج روح شامخ سید پدر و استادمان به ملکوت اعلی می گذرد اما همچنان صدای حق جوی وی و تفکر و جرأت ایشان در رویارویی با ظالمان شنیده می شود. علامه فضل الله همیشه از حامیان و تأیید کنندگان مقاومت و استمرار آن برای آزادی سرزمین های اشغالی و ناکام کردن طرح های رژیم صهیونیستی بود؛ چنان که همیشه می گفت: هیچ وقت آرام نخواهم شد مگر اینکه اسرائیل نابود شود.

وی همیشه بر وحدت اسلامی تأکید داشت و آن را عاملی برای شکست توطئه ها و فتنه های دشمنان و رهایی از چالش های می دانست.

در مراسم سالگرد ارتحال آیت الله علامه سید محمد حسین فضل الله بیانیه مجمع التقرب توسط معاون بین الملل و دبیر هیئت علمی مجمع التقرب دکتر تبرائیان قرائت شد.

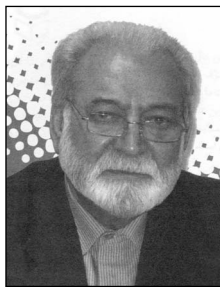
بیانیه مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به مناسبت سالگرد ارتحال علامه مجاهد مرجع تقلید آیت الله سید محمد حسین فضل الله (ره)

بسم الله الرحمن الرحيم
سلام و درود بر پیامبر اکرم محمد امین (ص) و دودمان پاک و یاران صدیق او باد. یک سال مالا مال از غم و اندوه از ارتحال مرد علم و جهاد و سید منبر و محراب و پیششاز بیداری و تقریب و آموزگار فقه و تقریب و فاتح آفاق معرفت و گفتنمان و بزرگ مرد شعر و ادب گذشت و ما به یاد آن امام تجدیدگر و روح عاشق در فناء فی الله و عشق به رسول اکرم و

اهل بیت او علیهم الصلاه والسلام اجمعین بوده و چشم به راه فرار رسیدن آن روزی هستیم که در آن شاهد تحقق آرزوهای بزرگ آن بزرگوار در گسترش بیداری اسلامی و چیره شدن انقلاب اسلامی بر کلیه موانع موجود بر سر راه آن که مانع از رسیدن صدای مبارک آن به سرتاسر جهان اسلام بلکه به سرتاسر گیتی شده اند باشیم ولی سرانجام خداوند منان نور خود را به اتمام خواهد رساند و این نور از کلیه موانع خواهد گذشت و از همه غارهای ظلمت و نفاق بیرون خواهد آمد و بر ملت ها با امیدی سرشار از زندگی خواهد تابید و نوید بخش حاکمیت قرآن و اسلام و حرکت به سوی جامعه ای برخوردار از امنیت جهانی که خدای را بندگان نماید و هیچ شریکی برای او قائل نشود باشیم. چنانچه آن عالم بزرگوار آخرین دم های زندگی خود را با ذکر و تسبیح خداوند سپری کرد و به اصول امام خمینی (ره) که همان اصول اسلام است سپری نمود و از خداوند متعال آرزوی پیروزی امام خامنه ای دام ظلّه در رهبری انقلاب و رساندن پیام مقدس آن به امت اسلامی می نمود، ما امروز شاهد خیزش ملت های عرب و مسلمانیم که با بیداری، وفاداری خود را به انقلاب اسلامی اعلام داشته و خیزش خود را علیه خودکامگان مزدور و منافقانی که مانع از بالا رفتن صدای حق و حاکمیت اسلامی می باشند آغاز نموده و ببرهای کاغذی حاکم بر آنها یکی پس از دیگری سرنگون می شود و نیروهای ضد استکبار و ضد صهیونیسم جهانی آنها با هم متحد می شوند و برغم توطئه ها و اتهامات و افتراءات ناحق که علیه وی از سوی کسانی که چنین توقعی از آنها نمی رفت، آرزوی بزرگ علامه فقیه رضوان الله تعالی علیه که در راه آن جهاد کرد تحقق می یابد.

ما در این یادمان نخستین سالگرد ارتحال این شخصیت بزرگ را تعظیم می نماییم و اعلام می داریم که اندیشه بارور هرگز نمیرد که عطر دل انگیز آن به جان ها بگیرد. خداوند او را بیامزد و جایگاه او را در بهشت علین با پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان محشور نماید و به بازماندگان او صبر و شکیبایی عنایت نماید و فرزندان آن مرحوم و به ویژه علامه سید علی فضل الله را پر کننده این ثلمه قرار دهد و حامل این پرچم باشد.

**والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
تهیه و تنظیم: طاهره هوشنگی**



دکتر محمدحسن تبرائیان

عضو ارشد جمعیت ملی تغییر مصر:

تقریب شیعه و سنی برای وحدت امت

اسلامی ضروری است

احمد قنای "در گفت و گو با تقریب، تأکید کرد: شیعه خطری برای مصر محسوب نمی شود زیرا این مذهب نیز یکی از مذاهب اسلامی همچون اهل سنت است و تقریب میان این دو مذهب برای به وجود آمدن وحدت اسلامی و مقابله با کشورهای استکباری (آمریکا و رژیم صهیونیستی) ضروری است.

وی افزود: باید بدانیم که تقریب میان شیعه و سنی از دهه شصت قرن گذشته به ویژه در زمان شیخ شلتوت که شیخ الازهر بوده، وجود داشته است. قنای در خصوص روابط ایران و مصر گفت: قطع روابط مصر با ایران اشتباه سیاسی مصر از زمان سادات تا نظام مبارک بود و این مسئله تنها در جهت منافع آمریکا و اسرائیل بود.

وی با اشاره به اینکه قطع روابط مصر با ایران به نفع مصر نبوده است، تأکید کرد: در مورد دلایل عدم برقراری روابط میان دو کشور پس از انقلاب، علامت سوال وجود دارد و تعجب برانگیز است که میان ما و اسرائیل روابط قوی و محکمی وجود داشته باشد، با اینکه دشمن ماست، اما میان ما و ایران که یک کشور اسلامی است هیچگونه روابطی وجود نداشته باشد. وی افزود: اگر اوضاع در داخل مصر بسامان شود، خواهد توانست در مقابل اسرائیل ایستادگی کند، اما دولت مصر به رغم اینکه عربستان سعودی رفتار اهانت آمیزی با مردم مصر دارد، به خواسته های عربستان سعودی و آمریکا علیه ایران پاسخ مثبت می دهد.

این موضع از زمان عبدالناصر بوده و موضع جدیدی نیست و دولت عربستان را تبدیل به دولتی کرده است که از مراسم دینی حج و عمره برای اهانت به مردم مصر سوء استفاده می کند. قنای اظهار داشت: اندیشه سلفی یکی از مظاهر اندیشه سعودی در مصر است و برافراشتن پرچم مصر در میدان تحریر نیز تصادفی نبوده است. وی در خصوص محاکمه حسنی مبارک، رئیس جمهور سابق مصر گفت: مبارک در این محاکمه ها جزای خود را می بیند. این محاکمه ها دل مارا آرام می کند و در راه صحیحی در حال حرکت است.

وی در زمینه حوادث بحرین هم خاطرنشان کرد: غرب چشم خود را به روی حوادث بحرین که توسط عربستان سعودی به وجود آمده، بسته است و یک خاموشی رسانه ای در مورد حوادث بحرین به ویژه از سوی شبکه های الجزیره و العربیه ایجاد شده است، چرا که این شبکه ها از انتشار انقلاب هایی این چنینی در کشورهای خلیج فارس هراس دارند، هرچند که این رخداد در آینده ای نزدیک به ناچار اتفاق می افتد.

نماینده ولی فقیه در استان کردستان:

رویت ماه و حکم حاکم شرع از مشترکات شیعه و سنی

در استهلال ماه است

اتمام ۳۰ روز کامل از جمله مشترکات و مستندات است که مذاهب مختلف اسلامی در بحث اعلام عید به آن اقتدا می کنند و هرگونه شبهه در این خصوص و توجه به پیش بینی های منجمان و تقویم های نوشتاری سالانه اعتباری ندارد.

نماینده ولی فقیه در استان کردستان اظهار داشت: باید مسلمانان روزه دار جایی که زندگی می کنند ماه را ببینند و در صورتی می توانند از اعلام استهلال ماه در منطقه ای پیروی کنند که هم افق باشند و هنگام غروب خورشید در افق مشترکشان ماه را رویت کرده باشند.

حجت الاسلام حسینی شاهرودی تصریح کرد: مبنایی که عربستان برای رویت هلال ماه در نظر می گیرد بر اساس رویت ماه نبوده و توجه به پیش بینی منجمان و اعلام چندروز قبل از رویت در بین مذهب شافعی و تشیع جایگاهی ندارد.

به گزارش خبرنگار تقریب از سنندج، حجت الاسلام "سید محمد حسینی شاهرودی" در شورای فرهنگ عمومی استان در سنندج اظهار داشت: رضایت الهی در عمل به وظایف شرعی و دینی است و همه فعالیت های ما باید منطبق با احکام شرعی باشد. وی افزود: بحث عید از مهمترین مباحث بوده و حداقل بین واجب و حرام الهی است نمی توان به راحتی از آن عبور کرد.

حجت الاسلام حسینی شاهرودی تصریح کرد: در مبحث استهلال ماه نظرات مختلفی در بین مذهب تسنن و تشیع وجود داشته و حتی در داخل هرکدام از این مذاهب نیز فقها نظرات متفاوتی دارند اما به طور کلی سه نظر وجود دارد که در بین اهل تسنن و اهل تشیع مشترک است و اغلب فقها و علمای دینی از آن تبعیت می کنند.

وی افزود: رویت ماه، حکم حاکم شرع و

بزرگداشت استاد سیدعلی موسوی گرمارودی

در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی



مراسم بزرگداشت سیدعلی موسوی گرمارودی در ماه مبارک رمضان با حضور دکتر سیدمحمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، حمیدرضا شاه‌آبادی معاون فرهنگی وزیر ارشاد، بهاءالدین خرمشاهی پژوهشگر و مترجم قرآنی، کامران فانی، محمدرضا شریفی‌نیا، دکتر مهدی محقق رئیس انجمن ترویج زبان و ادب فارسی و محمدجواد ادبی رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در این انجمن برگزار شد.

دکتر سیدمحمد حسینی با اشاره به اینکه همه حاضران در این مراسم اهل فضل و ادب هستند و باید سخنان خود را از این رو با چند بیت از ملک‌الشعراى بهار آغاز کنم گفت: توفیقی است که در جلسه بزرگداشت یکی از چهره‌های ماندگار و شناخته شده‌ای چون علی موسوی گرمارودی فرصت حضور داشتم.

به گفته وزیر ارشاد، یکی از نکات شخصیت استاد گرمارودی این است که این شاعر نویسنده، مترجم قرآن کریم فردی تک‌بعدی نیست. وی در ادامه در این باره افزود: گرمارودی به هیچ عنوان تک‌بعدی نیست چرا که ما در عرصه شعر بزرگانی را داریم که فقط در رشته خود مشغول فعالیت هستند و به مسائل دیگر توجه چندانی ندارند، اما اگر توفیقی در زندگی پیش از انقلاب (از سال ۵۲) موسوی گرمارودی کنیم، مشاهده می‌کنیم که وی توسط ساواک بارها دستگیر شد و به زندان رفت که این مهم نشان از تعهد به جامعه دارد؛ زیرا پس از انقلاب نیز در حوادث گوناگون شعر موسوی گرمارودی پاسخگوی نیازها بود.

حسینی در ادامه سخنان خود با اشاره به اینکه اهل ذوق معمولاً کمتر در کارهای اجرایی ورود پیدا کرده و آن را برعهده می‌گیرند، بیان داشت: ایشان هر جا احساس مسئولیت می‌کنند حتی در کارهای اجرایی با رنگ و بوی فرهنگی وارد شده و آن را به بهترین شکل ارائه می‌کند چرا که وی سال‌ها رایزن فرهنگی ایران در تاجیکستان بود؛ گرمارودی در آنجا به ترویج خط و زبان فارسی همت گماشت و در ادای این رسالت موفق بود زیرا هنگامی که مردمانی از سرزمین تاجیک به ایران می‌آیند از زحمات گرمارودی یاد می‌کنند و باید به وی بگویم که عبدالله مآجور، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه سخنان خود با اشاره به دیگر خصوصیات موسوی گرمارودی افزود: موسوی گرمارودی غیر از شعر در حوزه‌های دیگر نیز ورود کرده که در آن نیز بسیار موفق بود. این حوزه، حوزه ارزشمند، ترجمه قرآن، صحیفه سجادیه و نهج البلاغه است.

حسینی با اشاره به اینکه اصولاً کار ترجمه بسیار سخت و دشوار است، خاطر نشان کرد: ترجمه، کار ساده‌ای نیست چه رسد به کلام وحی که انسان سخن خدا را با زبان شیوا باید برای همگان بنگارد، در این مسیر بسیاری افراد جرأت ورود به این وادی را ندارند زیرا این مهم دقت، وسواس و زمان فراوانی را می‌طلبد چرا که هم بحث امانتداری، زیبایی کلام و دلنشینی آن مهم است.

حجت‌الاسلام محمدجواد ادبی رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در ابتدای این مراسم با اشاره به اینکه هنگامی که برای این برنامه به سراغ گرمارودی رفتیم وی از حضور در این مراسم امتناع کرد و دعوت ما را نپذیرفت. اما به وی گفتیم موقعیت و جایگاه شما ما را بر آن داشت تا در یکی از شب‌های رمضان المبارک و همزمان با لیالی مبارک قدر و در شب‌های نزول قرآن باید از تلاش‌ها و خدمات فرهنگی شما تجلیل کنیم.

به گفته ادبی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی به عنوان مهم‌ترین پایگاه

مفاخر فرهنگی مفتخر است در سلسله بزرگداشت‌های خود مراسم مختلفی را برای بزرگانی چون استاد سیدعلی موسوی گرمارودی برگزار می‌کند.

وی در مورد تلاش‌های فراوان فرهنگی گرمارودی خاطر نشان کرد: موسوی گرمارودی نه فقط در ترجمه بلکه در شعر و شعور انقلابی و شعر معاصر دارای پایگاه و جایگاه خاصی است. در ادامه این مراسم بهاءالدین خرمشاهی محقق، پژوهشگر و مترجم قرآن کریم در مورد ویژگی‌های اخلاقی و قلمی گرمارودی سخن گفت و افزود: محفل کنونی روحانی، علمی و ارزشمند است و برای بنده مایه مباهات، که چند کلامی درباره اخلاق، شعر و منقبت علمی سیدعلی موسوی گرمارودی سخن بگویم.

وی در ادامه ابراز داشت: البته باید چنین بزرگداشتی برای افرادی چون دکتر مهدی محقق نیز برگزار شود و امیدواریم با همکاری انجمن آثار و مفاخر فرهنگی شاهد باشیم که ماهی یک بار از این گونه بزرگداشت‌ها برپا باشد.

وی در مورد دوستی و مرادوت بسیار با گرمارودی تصریح کرد: ۴۰ سال در محضر استاد گرمارودی بودم و باید دانست که وی از نخبگان شعر و شاعری و از مترجمان برجسته کشور ما است چرا که گرمارودی ترجمه قرآن را جدی گرفته و آن را خوش‌خوان، دقیق و سلیس ارائه کرد. وی در پایان سخنان خود در مورد آثار سیدعلی موسوی گرمارودی چنین گفت: ترجمه گرمارودی در صحیفه روزگاران خواهد ماند چرا که وی پس از ترجمه قرآن و صحیفه سجادیه این بار نهج البلاغه را در دست دارد که در تدوین آن به هیچ وجه عجله نمی‌کند.

خرمشاهی در این مراسم قصیده‌ای را برای سیدعلی موسوی گرمارودی خواند.

دکتر مهدی محقق رئیس انجمن ترویج زبان و ادب فارسی از دیگر سخنرانان این مراسم بود که درباره موسوی گرمارودی ابراز داشت: موسوی گرمارودی دارای ابعاد مختلفی است یگانه رهنمون و ذی‌فنونی که در هر ره که وارد می‌شود، استادانه ره می‌پیماید.

محقق در وصف گرمارودی عنوان کرد: وی شاعر، نویسنده و مترجم گرانقدری است که اشعار وی گواه سخنان بنده است، زیرا دارای پند و اندرز و بیان ذکر بزرگی و بزرگواری خاندان پیغمبر است که البته خود موسوی گرمارودی نیز از سلاله پیغمبر است و از افرادی نیست که به قول ناصر خسرو شعر فروش باشد.

وی با اشاره به قرآن کریم خاطر نشان کرد: در قرآن کریم خداوند می‌فرماید: «ما پیغمبر خود را شعر نیاموختیم و سزاوار او نیست که گمراهان دنبال شعرا می‌روند؛ باید بدانیم این شعرا بدآموز بوده‌اند شاعرانی که برخی از آن‌ها از بین برنده نظم بودند.

محقق با اشاره به نویسندگی موسوی گرمارودی افزود: در نویسندگی موسوی گرمارودی همین بس که مقالات فاخر وی در مجله گل چرخ چاپ می‌شد. وی در پایان سخنان خود ابراز داشت: آرزومند طول عمر برای موسوی گرمارودی هستیم.

کامران فانی عضو پیوسته زبان و ادبیات فارسی در این مراسم گفت: ما قدر استاد موسوی گرمارودی را نشناختیم، در این ۳۰ و اندی سال اخیر وی از استادانی بود که حضور پررنگ در عرصه فرهنگ داشت و دوستی بنده با ایشان به این حدود بازمی‌گردد.

عضو پیوسته زبان و ادب فارسی با اشاره به ترجمه‌های گوناگون از قرآن کریم ادامه داد: نزدیک به ۳۰ ترجمه پس از انقلاب اسلامی از قرآن منتشر شده اما ترجمه استاد موسوی گرمارودی به لحاظ دقت کم نظیر است.

استاد سیدعلی موسوی گرمارودی چهره ماندگار سال ۱۳۸۵ که این مراسم به پاس تلاش‌های فرهنگی وی در نظام جمهوری اسلامی ایران برگزار شد، در این مراسم در جملاتی کوتاه گفت: افتخارم این است که در محضر علامه مهدی محقق چند درس سپری و طی کرده‌ام و سالیان ممتدی شاگرد وی بودم و حضرت ایشان منت استادی را بر بنده داشت و خدا می‌داند افتخاری که بابت شاگردی ایشان با خود دارم تا زمان حیات بیشتر از هر افتخار دیگری است.

موسوی گرمارودی به احترام ایام عزیز و والایی که شرف یافته به همزمانی با شهادت مولی‌الموحدين دو بند از «سایه سار نخل ولایت» را خواند.

شاید این جمعه بیاید...

تو را غایب نامیده‌اند، چون "ظاهر" نیستی، نه اینکه "حاضر" نباشی.

"غیبت" به معنای "حاضر نبودن"، تهمت ناروایی است که به تو زده‌اند و آنان که بر این پندارند، فرق میان "ظهور" و "حضور" را نمی‌دانند، آمدنت که در انتظار آنیم به معنای "ظهور" است، نه "حضور" و دلشدگانت که هر صبح و شام تو را می‌خوانند، ظهورت را از خدا می‌طلبند نه حضورت را. وقتی ظاهر می‌شوی، همه انگشت حیرت به دندان می‌گزند با تعجب می‌گویند که تو را پیش از این هم دیده‌اند. و راست می‌گویند، چرا که تو در میان مائی، زیرا امام مائی. جمعه که از راه می‌رسد، صاحب‌دلان "دل" از دست می‌دهند و قرار از کف می‌نهند و قافله دل‌های بی‌قرار روی به قبله می‌کنند و آمدنت را به انتظار می‌نشینند...

و اینک ای قبله هر قافله و ای "شبروان را مشعله" در آستانه آدینه‌ای دیگر با دلدادگان دیگری از خیل منتظرانت سرود انتظار را زمزمه می‌کنیم.

خبر آمد خبری در راه است

سرخوش آن دل که از آن آگاه است

شاید این جمعه بیاید... شاید

پرده از چهره گشاید... شاید

دست افشان... پای کویان می‌روم

بر در سلطان خویان می‌روم

می‌روم بار دگر مستم کند

بی‌سروبی پا و بی‌دستم کند

می‌روم کز خویشتن بیرون شوم

در پی لیلا رخی مجنون شوم

هر که نشناسد امام خویش را

بر که بسپارد زمان خویش را

با همه لحن خوش آوایم

در به در کوچی ی‌تهایم

ای دو سه تا کوچه زما دورتر

نغمه‌ی تو از همه پرشورتر

کاش که این فاصله را کم کنی

محنت این قافله را کم کنی

کاش که همسایه‌ی ما می‌شدی

مایه‌ی آسایه‌ی ما می‌شدی

هر که به دیدار تو نایل شود

یک شبه حلال مسائل شود

دوش مرا حال خوشی دست داد

سینه‌ی ما را عطشی دست داد

نام تو بردم لبم آتش گرفت

شعله به دامن سیاوش گرفت

نام تو آرامه‌ی جان من است

نامه‌ی تو خط اوان من است

ای نگهت خاست گه آفتاب

در من ظلمت زده یک شب بتاب

پرده برانداز ز چشم ترم

تا بتوانم به رخت بنگرم

ای نفست یار و مدد کار ما

کی و کجا وعده‌ی دیدار ما

دل مستمندم ای جان به لب‌ت نیاز دارد

به هوای دیدن تو هوس حجاز دارد

به مکه آمدم ای عشق تا تو را بینم

تویی که نقطه‌ی عطفی به اوج آیینم

کدام گوشه‌ی مشعر

کدام کنج منا

به شوق وصل تو در انتظار بنشینم

ای زلیخا دست از دامن یوسف بازکش

تا صبا پیراهنش را سوی کنعان آورد

ببوسم خاک پاک جمکران را

تجلی‌خانه‌ی پیغمبران را

خبر آمد خبری در راه است

سرخوش آن دل که از آن آگاه است

شاید این جمعه بیاید... شاید

پرده از چهره گشاید... شاید

وهابیت پیامبر (ص) را هدف قرار داده است

هیچ گاه نمی خواهد آن را جایگزین توجه و ارتباط با خدا کند، بلکه اسلام می خواهد راهی را فراروی انسان ها قرار دهد. حجت الاسلام والمسلمین مبلغی تأکید کرد: وهابیت با عدم درک این منطق، به صورت احمقانه و جاهلانه گفته اند که توسل یعنی نهادن یک قطب در عرض خداوند و از بین بردن راه ارتباط با خدا؛ در صورتی که توسل و راه های تکمله ای و تکمیلی در کنار آن به عنوان تضمین می باشد. وی خاطر نشان کرد: وهابیت به بهانه توحید، کانون جلب توجه به توحید را از بین بردند و جنایتی بسیار تلخ را در تاریخ اسلام رقم زد.

رییس مرکز تحقیقات مجلس شورای اسلامی در ادامه بیان داشت: اهل بیت (ع) حقیقتی مطرح و فعال در فضای اندیشه و تاریخ اسلام است که از صدر اسلام مورد توجه قرآن، رسول اکرم (ص) و مسلمانان بوده است.

اهل بیت (ع) اختصاص به تشیع ندارد

وی با بیان این که اهل بیت (ع) اختصاص به شیعه ندارد، گفت: اهل بیت (ع) در نزد مسلمانان دارای مراتبی هستند که بر این اساس در میان همه آنها دارای جایگاهی هستند و این جایگاه تنها نزد شیعیان نیست؛ اهل سنت نیز نسبت به جایگاه اهل بیت (ع) توجه دارند و درود بر آنان را به عنوان اصلی کلی پذیرا هستند. حجت الاسلام والمسلمین مبلغی افزود: اگر اختلافی میان شیعه و سنی درباره اهل بیت (ع) وجود دارد، در اصل نیست، بلکه اختلاف در زیاده و کمی مراتب آنها است. اهل سنت اعتقاد دارند که اهل بیت (ع) هم جزو صحابه پیامبر (ص) هستند و هم عنوان اهل بیت ایشان؛ از این رو اهل بیت (ع) زیادتی نسبت به صحابه دارند.

وی خاطر نشان ساخت: هنر وهابیت تضعیف کارکردهای نهاد های اسلام و آموزه های قرآن و اسلامی است و در این راستا نسبت به اهل بیت (ع) و اماکن مربوط به آنها نیز همین کار را کردند.

رییس پژوهشگاه مطالعات تقریبی ادامه داد: البته اهل بیت (ع) تنها مسئله ای نیست که کارکرد آن از سوی وهابیت تضعیف شده باشد، بلکه خود پیامبر (ص) هم در نگاه این فرقه بسیاری از کارکردهایش را از دست داده است و اندیشه های بسیاری در اسلام است که از گزند این تهاجم فکری غلط و بی مایه مصون نمانده است.

تفرقه؛ ارمان و وهابیت

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی در پایان با بیان این که رفتار وهابیت موجب تفرقه در جهان اسلام است، تصریح کرد: امروز ارمان رفتارهای وهابیت ایجاد و گسترش تفرقه در درون جامعه اسلامی و به وجود آوردن نگاه های بدبینانه نسبت به اسلام در خارج از جامعه اسلامی است.

حجت الاسلام والمسلمین احمد مبلغی در گفت و گو با مرکز خبر حوزه با اشاره به فرارسیدن سالروز تخریب قبور ائمه بقیع از سوی وهابیت، اظهار داشت: وهابیت قرانت خشکی از دین دارد و بر اساس تحلیل نادرست، به ارائه آموزه های غیر عقلانی دست می زند.

وی ادامه داد: این فرقه کمترین ظرفیت را برای گفت و گو با اندیشه های دیگر دارد و به صورت خشن و یک جانبه، با چهره ای عبوس و درهم و با درونی فاقد هر گونه ظرفیت و تأمل به مواجهه با اندیشه هایی با قدمتی به اندازه تاریخ اسلام دست می زند.

وهابیت؛ معرف چهره ای خشن از اسلام

رییس مرکز تحقیقات مجلس شورای اسلامی این نوع برخورد با اندیشه های دینی را فضایی برای فعالیت های جنایت کارانه سلفی ها دانسته و گفت: این نوع برخورد، تعامل و مواجهه با اندیشه های اسلامی باعث شده است که چهره ای خشن از اسلام معرفی شود و خاستگاهی برای سلفی های تندرو و خشن در فضای جهان اسلام ایجاد شده که گاهی در قالب اقدامات نظامی بروز و ظهور پیدا می کند و مشکلاتی را در جهان اسلام به وجود می آورد.

وی، نوع نگاه درباره مردگان و قبور آنها را از جمله اندیشه های اشتباه و وهابیت عنوان کرده و ادامه داد: از جمله اندیشه های وهابیت که با منطق اسلامی در تناقض است، نگاهی است که به مردگان و قبور آنها می شود. دیدگاه این فرقه حتی شامل اولیای الهی و شخصیت های بزرگ اسلام می شود، بدون این که ذره ای فلسفه و جودی توسل و تبرک و توجه به قبور اولیاء را درک کنند.

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی، تخریب قبور ائمه (ع) در بقیع را فاجعه ای در تاریخ اسلام بر شمرده و خاطر نشان کرد: وهابیت به صورت خشن و یک جانبه و منطق نادرست افکار و اندیشه های باطل خود را ترویج می دهد.

قبور اولیای الهی، منبعی برای تعظیم شعائر دینی

وی ادامه داد: قبور اولیا و صلحا منبعی برای تعظیم شعائر دینی و جلب توجه به معنویت است و کارکردهای این قبور در کنترل جامعه و پراکنده کردن بذر معنویت و بر انگیزختگی حس فطری به سوی خدا می باشد و رابطه ای با شرک ندارد. رییس پژوهشگاه مطالعات تقریبی با تأکید بر این که توجه به اولیای الهی در تضاد با توجه به خدا نیست، خاطر نشان کرد: این توجه در راستای توجه به خداست؛ به طوری که بر اساس منطق اسلام انسان باید مستقیماً با خدا ارتباط داشته باشد و از امکان توسل جویی نیز بهره گیرد.

وی با بیان این که توسل، جنبه تکمیلی در ارتباط با خدا دارد، تصریح کرد: در منطق اسلام وقتی توسل را بیان می کند،

آیت الله موسوی بجنوردی:

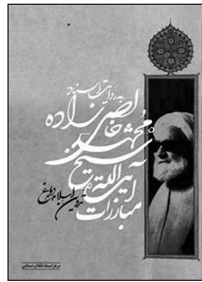
نیازی به رویت هلال ماه نیست

جماران: آیت الله موسوی بجنوردی با اشاره به این موضوع که نیازی به رویت هلال ماه شوال نیست، گفت: علت اینکه در روایات مساله رویت ماه را بیان کرده اند بدین علت است که آن زمان راهی جز رویت برای کشف اول ماه وجود نداشت. شریعت اسلام شریعتی است که به عقیده من تمام احکامش عقلانی است و طبق واقعیت ها بحث می کند و به طور صریح می گویم که رویت موضوعیت ندارد بلکه طریقت دارد.

وی با بیان اینکه باید عرض کنم که ثبوت هلال ماه شوال به چند طریق است، توضیح داد: طریق اول؛ اینکه خود انسان به اولیت ماه شوال علم پیدا کند. البته این علم، علمی نیست که بگویم باید از طریق خاص و معینی حاصل شده باشد یا به اصطلاح طلبگی قطعی نیست که اخذ فی الموضوع علی نحو الطریقیه باشد؛ بلکه نفس قطع و علم به اینکه مثلاً فردا اول شوال است برای بنده حجت می شود که فردا دیگر روزه گرفتن حرام است و عید فطر است.

به گفته بجنوردی، طریق دوم "حکم حاکم" است. یعنی مجتهد جامع شرایط اگر حکم کند که فردا اول شوال است

مبارزات آیت الله شیخ محمد خالصی زاده به روایت اسناد



"... از طهران به یزد تبعید شدم. زمانی وارد آنجا شدم، مدارس و مساجد و تمام مراکز دینی آنجا را ویران و خالی یافته ام و موقوفات آنها به تملک دیگران در آمده بودند. مراکز فحشا و میکده ها

را آباد دیده ام و کلاً شهر، شهر کمونست های ملحد، بابی ها و زرتشتی ها گشته بود و مسلمانان آن شهر ساکت بودند. در حالی که آن شهر، دارالعباده نامیده می شده است. مدت هجده ماه در آن شهر توقف کردم. در این مدت تمام مدارس دینی و مساجد آباد و بیشتر موقوفات بازگردانده شده اند و صدای بی دینی، چه کمونیستی و چه بابی گری یا زرتشتی فرو نشست و اسلام و مسلمانان صاحبان نفوذ در آن شهر گشته اند. شاه به رغم شرارت های شدید عمالش نتوانست مرا از یزد بیرون کند، ولی همزمان با اعلان خبر ترور وی در طهران، ارتشیان خود را به یزد فرستاد تا مرا دستگیر کنند، با این حال ارتش در این مأموریت ناکام ماند، زیرا نظر بیشتر اهالی یزد بر حمایت از من بوده است..."

تقویم تاریخ دفاع مقدس (در راه پیروزی)



در آخرین روزهای این ماه ارتش عراق تک مختل کننده ای را در منطقه عملیاتی کربلای ۲ به اجرا گذاشت که تا ۲۹ اسفند ادامه یافت. با شکست آن تک، دستور آگهی برای اجرای عملیات عظیم فتح المبین توسط قرارگاه کربلا صادر شد و همه یگان های شرکت کننده می رفتند تا در روزهای پایانی اسفند ماه، خوشه چین پیروز تلاش های بی وقفه خود باشند و در راه پیروزی و فتحی مبین گام های نهایی را بردارند.

حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران

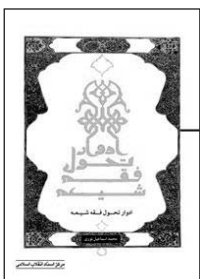
حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران با تحقق انقلاب اسلامی در برابر استبداد شاهان و استعمار بیگانگان، الگویی از مردم سالاری دینی بود که فرمول جدیدی از سازمان مردم و حاکمیت را تعریف می کند. مطابق این

معرفی کتاب مرکز اسناد انقلاب اسلامی



الگو آرمان های انسان به عنوان اشرف مخلوقات و بنده پروردگار متعال می بایست با مسیر رشد و تعالی فردی و اجتماعی او در یک راستا و مورد احترام و حمایت حکومت و جامعه قرار بگیرد و متقابلاً او نیز با مشارکت در حکومت، مسیر رشد خود و دیگران را فراهم سازد.

ادوار تحول فقه شیعه



تدوین و نگارش خدمات علمی و فعالیت های سیاسی علمای شیعه و بالطبع ترسیم مسیر شکل گیری و تکوین فقه شیعه در آثار وزین مرحوم علامه دوانی با عنوان "مفاخر اسلام" به صورتی بسیار مبسوط و در چندین مجلد فراهم آمده است که غالباً مأخذ اصلی تمامی پژوهشگران این عرصه می باشد. اثر پیش رو نیز با عنایت و بهره گیری از تمامی آثار قدیمی و جدید مرتبط با این حوزه به رشته ی تحریر در آمده است که جدا از پیمودن مسیری مشخص در تکوین و تحول فقه شیعه با تقسیم بندی دقیق این مسیر طولانی به هشت دوره ی مجزا، ضمن ارائه ی خصوصیات هر دوره به معرفی فقهای تأثیرگذار و نامدار آن عصر پرداخته است. اهتمام نویسنده به درج مختصری درباره ی تاریخچه ی تحولات سیاسی دوره های مختلف و آمد و شد خاندان های حکومتگر و دست به دست شدن قدرت سیاسی و تأثیرات آنان بر فقه و فقها ستودنی است.

بشت

نشریه مرکز بررسیهای اسلامی
دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول:

سید هادی خسرو شاهی

سر دبیر:

سید محمود خسرو شاهی

دفتر مرکزی:

قم: خیابان شهدا (مفاتیح) نبش ممتاز

تلفن: ۷۷۴۱۴۲۳

صندوق پستی: ۱۳۶

چاپ: مینایی

پست الکترونیکی:

Besatonline@gmail.com